

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

پیش مقتدایی سختگوی شورای عالی قضایی اعتراف کرد که طی دو هفته، تعدادی از اعضای سازمانهای سیاسی ایران، در تهران و چند شهر دیگر اعدام شده و عده ای نیز به حبس های طویل المدت محکوم شده اند. اخیرا سازمان مجاهدین نیز خبر داده است که در اواسط اردیبهشت ماه، رژیم ۷ تن از مجاهدین بازداشت شده را نیز به قتل رسانده است. قبلا نیز رژیم رسا اعدام ۱۶۵ زندانی سیاسی در سال ۶۵ را بقیه در صفحه ۲

برابر اخباری که علیرغم اختناق سیاه از آنسوی دیوار شکنجه گاههای خمینی رسیده است، در آستانه نوروز، ۲۸ تن از زندانیان سیاسی ایران توسط دژخیمان جمهوری اسلامی تیرباران شدند. اخبار رسیده حاکی از آن است که عده ای از اعدام شدگان از مسئولین و اعضای سازمان ما بوده اند که چندان از آنان از مدت های پیش در اسارتگاه رژیم زیر شکنجه قرار داشتند.

در تایید این خبر از سوی مقامات رژیم، چندی

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۸ تیر ۱۳۶۶ برابر ۲۹ ژوئن ۱۹۸۷

بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۳

رفسنجانی: حساس ترین مقاطع جنگ در دوسه ماه آینده خواهد بود

جنگ - نگاهی در چشم انداز

به یک مانور دریایی در تنگه هرمز زد. اما آشکار بود که ذهن رهبران رژیم عمدتا متوجه مذاکرات شورای امنیت و برخی تماسهای دیپلماتیک، خاصه در منطقه، شده است.

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته تهران (۵ تیر) اعلام کرد: "حساس ترین مقاطع جنگ در دو سه ماه آینده خواهد بود." فقها همواره چنین تعبیراتی را در رابطه با جنگ به کار می برند، مقلع سرنوشت ساز، عملیات تعیین کننده، مقدمه ای برای حمله نهایی، مقلع حساس... اما این بار، صفت "حساس" برای مقلع کنونی، صرفا بر حسب عادت به کار گرفته است. مقلع به راستی حساس است. حساس بودن مقلع کنونی را، در درجه نخست دوره فعلی جنگ - دوره پس از کربلاهای ۴ و ۵ - تعیین می کند. چرا به کربلاهای ۴ و ۵ چنین اهمیتی باید داده شود؟ ویژگی این حملات درجه بود و ناکام ماندن آنها، نشان دهنده چیست؟

مطبوعات بین المللی در هفته گذشته، به خبرهایی که مستقیم و یا غیرمستقیم به جنگ ایران و عراق مربوط می شدند، تیتراهای درشتی را اختصاص دادند. مذاکرات شورای امنیت سازمان ملل متحد بر سر جنگ، تشنج در خلیج، تحریکات جمهوری اسلامی و تلاش آمریکا برای حضور بیشتر در منطقه از طریق تقویت ناوگان نظامی خود در دریای عمان و خلیج فارس، برخی تماسهای دیپلماتیک، از جمله ملاقات ملک حسین و حافظ اسد در دمشق، و بالاخره تشدید درگیریهای زمینی در جبهه شمالی جنگ ایران و عراق (ناحیه مشرف بر کوهستانهای اربیل)، محورهای اصلی خبرهای هفته گذشته بودند.

رسانه های گروهی جمهوری اسلامی در درجه نخست به درگیریهای جبهه شمالی پرداختند و با آب و تاب فراوان کوشیدند عملیات فتح ۶ و نصر ۳ و ۴ را پراهمیت جلوه دهند. چارو چنگال برای تعمیق بحران خلیج نیز ادامه داشت. رژیم نیروی تازه ای را به نام "مدافعین خلیج فارس" سازمان داد و دست

در این شماره

۸ تیر، روز شهیدان فدایی گرامی باد!

در صفحه ۲

خطابه از گوی سرخ

سروده ای ازمانی

در صفحه ۲

سرمایه داران ترک، صیادان طلا

در صفحه آخر

سیستان و بلوچستان

زندگی در فراسوی فقر

در صفحه ۹

اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی در یونان

در صفحه آخر

نوسازی و آگاهی اجتماعی

در صفحه ۱



دیکتاتوری سئول در تنگنا

ژوئن و عدم توافق آنها، باردیگر خیابانهای سئول و سایر شهرهای بزرگ، صحنه تظاهرات عظیم ضد دیکتاتوری و درگیری مردم پائیزیروهای سرکوبگر شد. خبرنگاران خارجی تظاهرات جمعه شب گذشته را از بزرگترین تظاهرات سه هفته اخیر علیه رژیم آمریکایی چون دوهوان دانسته اند. بقیه در صفحه ۱۲

تحولات کره جنوبی، در هفته گذشته ابعاد تازه ای یافت. در حالیکه در اوایل هفته، بدشمال اعلام آمادگی چون دوهوان دیکتاتور سئول برای مذاکره با کیم یونگ سام رهبر حزب عمده اپوزیسیون پوزوایی، حالت صبر و انتظار این کشور را فرا گرفت، پس از ملاقات این دودر روز چهارشنبه ۲۴

خطابه از سگویی سرخ

جان به دستی و

به دستی عشق .

بله

بله

به ایوان بلند

بر می شود

ناچهره به جوباره، نسیم واگذار

نیمروزان بردرگاه تکیه دارد

و زمین

در هایهوی روشن خورشید

بر می خیزد .

آشوب

در واپسین کلام ایستاده است .

- به ورق گردانی .

چشمه ، چشمه ، سخن

و دریا ، دریا

- دریافتن .

خطابه‌ی سرخ بر میثابی خوانده

می شود .

" نامت کلاف نور است

که باز خواهد شد

رشته به رشته

و جهان را خواهد گرفت

ای عشق

ای معنای عمیق شهادت !

بس ، بر می خیزند

خیزابه‌های قیام

از دریای دریافتن ها .

و ظهر

از اندام شهید

به سرخی

می گذرد .

مائی - شهریور ۵۸

خطابه اول از مجموعه تازه منتشر شده

"خطابه از سگویی سرخ"

به یاد رفیق حمید اشرف و همروزمان

۸ تیر ، روز شهیدان فدایی گرامی باد!

یازده سال از روزی که روزنامه‌های رژیم شاه با بزرگترین حروف چاپی خود خبر پیروزی ساواک در وارد آوردن ضربه‌ای بر پیکر جنبش انقلابی میهنان را درج کردند، گذشت. یازده سال پیش بود که روزنامه‌ها این خبر هولناک را منتشر کردند که "حمید اشرف کشته شد" و "در یک درگیری در مهرآباد جنوبی، ستاد مرکزی کمیونستهای ایران متلاشی شد."

آری یازده سال از یکی از سیاه‌ترین و هولناک‌ترین روزها در زندگی فدائیان خلق گذشت. در سحرگاه روز ۸ تیر ماه ۱۳۵۵، محل تشکیل اجلاس فوق‌العاده رهبری سازمان در خانه‌ای در محله مهرآباد جنوبی تهران مورد یورش مزدوران شاه جلاد واقع شد و رفیق قهرمان حمید اشرف و تمامی دیگر اعضای رهبری، طی نبرد قهرمانانه و پرشکوه به شهادت رسیدند. بدین سان رفقا، حمید اشرف، یوسف قانع خشکه‌بهار، محمد رضا شیرخانی، محمد حسین حق‌نواز، علی اکبر رزبری، طاهره خرم، غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حبیبی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور و سگر حسینی ابرده، ایسان بی‌کران به رژیم چانه‌زانه در راه آرمان کمونیستی خویش و پیمان استوار خود با خلق را با خون به اثبات رساندند.

در آن روزهای سیاه مزدوران شاه سرازیرانی شناختند، مصاحبه‌های تلویزیونی "مقام امنیتی"، درج وسیع

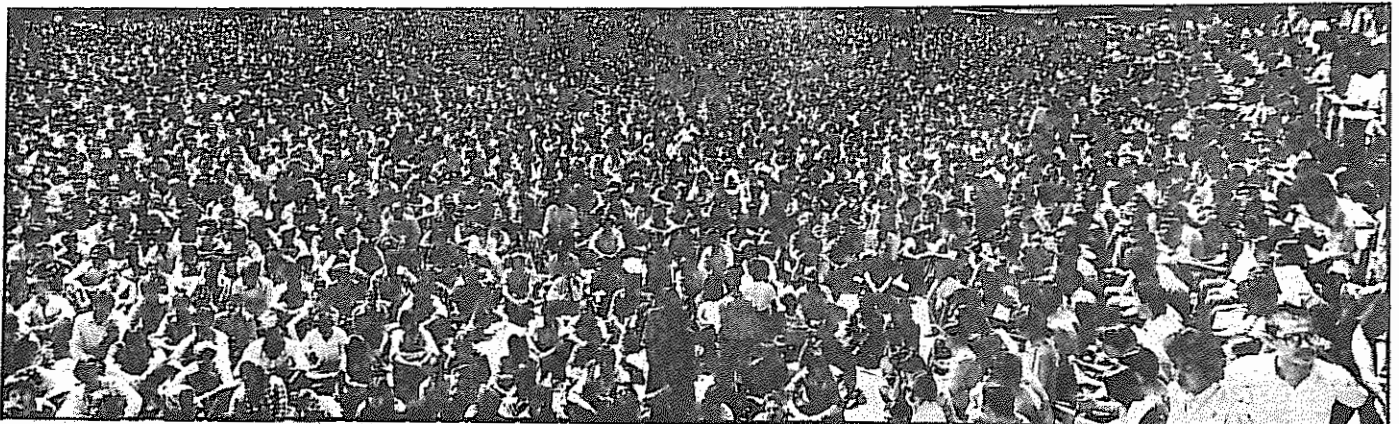
گزارشها و عکسها و مطالب تنظیم شده توسط ساواک در روزنامه‌ها، طنین عریده‌های مستانه و پیاپی‌های شفافه بازجو در شکنجه‌گاه کمیته مشترک و اوین در روزهای پس از هشت تیر، سخرانی‌های پر شمار مسئولین زندان‌ها در قصر، اوین و کمیته که، "دیگر تمام شد، دشیا به کام شد." در پی تمامی آن وقایع شوم قلب‌های بسیاری فشرده شد و به درد آمد، اما با جرات می‌توان گفت هیچ زانویی سستی نگرفت، هیچ رهرویی از راه باز نایستاد، کام‌ها استوارتر و رهروان افزون‌تر شدند. فدائیان قامت افراشتند، برنا و پرفراشته شدند و آنکه می‌گفت "دیگر تمام شد"، خود به نیروی توفنده خلق از صحنه تاریخ محو گردید.

در روز هشتم تیر که روز شهیدان فدایی نام نهاده شده، سازمان ما ضربه‌ای کاری و بس عظیم را متحمل شد. ابعاد واقعی و عواقب یورش هشتم تیر که در ادامه ضربات پی در پی ساواک در نیمه دوم سال ۵۴ و طول سال ۵۵ به سازمان به وقوع پیوست، چند سال بعد آشکار تر گردید. این ضربه بر کاهش امکانات سازمان در تأثیرگذاری بر سیر رویدادها در انقلاب بهمن و پس از آن تأثیرات معینی بخشید. اما گذشت چند سال از هشتم تیر ۵۵ پدیده دیگری را نیز عیان ساخت. قهرمانی‌ها، جاقبازی‌ها و پایداریهایی که از آغاز جاری شدن شطخروشان جنبش فدائیان در وقایعی همچون هشتم تیر با ژتاب یافت، خط سرخی از هزاران حماسه که

از شهادت حسن شیک‌داوودی اولین شهید فدایی آغاز و در طول حیات سازمان روبه فراز نهاده، خود هویت بخش یک واژه گشت، فدایی. فدایی خلق در ابعاد توده‌ای طفیفی غرور انگیز و شکوهمند یافت.

فدائی خلق اینک در رژیم ارتجاعی و چنانیکار جمهوری اسلامی نیز با تمام توان می‌کوشد که بر سنن قهرمانی پیشگامانمان، بر سنت رفیق حمید اشرف تکیه ژند. ما رژیم‌های رنج و کار و فرغت از دشمن را از آنان می‌آموزیم و به سلاحی برای علیه رژیم خمینی و همه مرتجعین تاریخ بدل می‌سازیم. واقعیت تابناک رژیم سترگ فدائیان خلق در تمامی پهنه میهن و مقاومت‌های قهرمانانه فدائیان اسیر در میادین تیرباران و شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی همین آفتست که هم اینک نیز فصول تازه و تابناکی از حماسه‌های پرشکوه رژیم فدائیان نگاشته میشود.

در یازدهمین سالگرد ۸ تیر، روز شهادت فدایی، در شرایطی که فدائیان خلق همچنان قهرمانانه در سخت‌ترین شرایط پلیدی و در زیر سرنیزه و کلوله دشمن می‌رزمند، یاد شهادت ۸ تیر، یاد رفیق حمید اشرف را گرامی می‌داریم و "به آن ایمان و عشقی که سرمشق قهرمانی‌های فدائیان و همه مبارزین خلق است ارج می‌نهیم و در برابر آن عزم و اراده‌ای که پس از ضربات ۸ تیر، سازمان ما را پابرجا نگاه داشت سر تعظیم فرود می‌آریم." *



سال ۱۳۵۸، دانشگاه تهران: در نخستین سالروز ۸ تیر پس از سرنگونی شاه، انبوهی از مردم تهران گرد آمدند تا خاطره شهیدان فدائی را گرامی دارند.

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه اول

اعلام کرده بود، این در حالی است که رژیم چهل و چنانیت هیچگاه اطلاع دقیقی از تعداد واقعی کشته شدگان را منتشر نکرده و نمی کند.

رژیم خمینی از بیم اعتراضات فزاینده مردم ایران و نیروها و محافل ترقیخواه جهان می کوشد سیاست پیکرزد و بازداشت وسیع انقلابیون را در خفا پیش برد و شکنجه و اعدام مبارزین در بند را کتمان نماید. پس از یورش تاپستان ۶۵ رژیم علیه سازمان ما که به بازداشت بیش از ۱۰۰ تن از اعضا و هواداران سازمان منجر شد، در نیمه دوم سال ۶۵ و آغاز سال ۶۶ نیز چند یورش مخفیانه دیگر علیه نیروهای سازمان ما در باختران، کیلان و مازندران صورت گرفته است و در هر کدام دهها نفر از اعضا و هواداران سازمان ربوده شده و تحت شکنجه قرار گرفتند. تاکنون چندنفر از رفقای ما زیر شکنجه های وحشیانه رژیم به شهادت رسیدند. سرکوب

تاریکی سیاست رژیم در برابر سازمان ما است.

شرایط فشار بر زندانیان سیاسی و اعدامهای دسته جمعی آنان، بویژه پس از اعتصابات قهرمانانه اوین، کوهر دشت و قزل حصار شدت یافته است. این اعتصابات در اعتراض به پایمال شدن ابتدایی ترین حقوق انسانی صورت گرفت، اما پاسخ جمهوری اسلامی به حق طلبی مبارزین شکنجه و اعدام بود. اکنون خطر مرگ چنان صدها زندانی سیاسی را تهدید می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعدام ردیلان زندانیان سیاسی را شدیداً محکوم می کند و از همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و آزاده ایران، از همه محافل مترقی و دموکراتیک جهان می خواهد که علیه این جنایات و فجایع ضد بشری بانگ اعتراض خود را راسا سازند و با استفاده از همه امکانات به منظور تشدید فشار علیه جمهوری اسلامی از ادامه کشتار انقلابیون و میهن پرستان

توسط رژیم ددمنش خمینی جلوگیری کنند. جمهوری اسلامی باید به خاطر نقض خشن ابتدایی ترین حقوق زندانیان سیاسی محکوم گردد و برای قطع پیکرزد و بازداشت مخالفان عقیدتی رژیم، قطع هر گونه شکنجه و اعدام، اشغال دادگاههای شرع، تامین حق تحقیق و کنترل وضعیت دادرسی و امور زندانیان توسط مراجع بین المللی و آزادی همه زندانیان سیاسی تحت شدیدترین فشارها قرار گیرد.

سازمان ما از تمامی اقداماتی که توسط احزاب، شخصیت ها، محافل و مراجع بین المللی در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران و برای آزادی بی قید و شرط آنها صورت می گیرد، استقبال می کند و خواهان تشدید این کارزار بشردوستانه است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای آزادیخواه، مترقی و انقلابی ایران می خواهد که در مبارزه علیه رژیم آزادی کش خمینی برای نجات چنان

زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی همه آنان دست به اقدامات عملی مشترک و قاطع بزنند و اجازه ندهند که خمینی شیروهای مبارز را در برابر چوخته اعدام قرار دهد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه مردم شریف و آزاده بویژه از خانواده های زندانیان سیاسی که در صف مقدم دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی آنها قرار دارند، می خواهد که صفوف خود را زیر شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" فشرده تر سازند.

هرچه مبارزه مردم و نیروهای انقلابی و ترقیخواه یکپارچه تر و فریاد اعتراض شان علیه ترور و اختناق بلندتر باشد، عمر رژیم تبهکار خمینی کوتاه تر خواهد شد.

پیروز باد مبارزه مردم ایران در راه آزادی همه زندانیان سیاسی
پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
خرداد ۱۳۶۶

اعتصاب غذای...

بقیه از صفحه آخر

۱ - رسیدگی سریع برای فرستادن ایرانیان به کشورهای مختلف جهان،
۲ - ایجاد امکانات رفاهی و تامین هزینه برای تهیه وسایل و نیازهای بهداشتی پناهندگان.
۲ - قرار گرفتن در پوش سازمان ملل متحد و دریافت کارت پناهندگی.
بعد از یک هفته تحصن، از آنجا که مسئولین امور پناهندگی به درخواست های قانونی و انسانی پناهندگان توجهی نشان ندادند، آنان از تاریخ دهم ماه ژوئن اعتصاب غذا را آغاز کردند.

چریان این تحصن و اعتصاب غذا، در چندین روزنامه یونانی همراه با عکس و گزارش انعکاس یافته است. کمیته همبستگی بین المللی یونان نیز ضمن اعلام همبستگی کمیته با اعتصاب کنندگان، اعلام نمود که مسائل و مشکلات پناهندگان ایرانی را طی ملاقاتی با مسئولین امور پناهندگی سازمان ملل در میان خواهد گذاشت.

گسترش اقدامات اعتراضی پناهندگان ایرانی

در ایالت بایرن آلمان فدرال

و با تحمیل چیره غذایی به آنان عمل بی اعتنائی خود را به ابتدایی ترین حقوق و ارزشهای انسانی به نمایش گذارده است.

خواسته های امضاکنندگان این اطلاعیه به شرح زیر خلاصه شده است،
۱ - کوتاه شدن مدت بلاتکلیفی و رسیدگی هرچه سریعتر به درخواستهای متقاضیان پناهندگی و ارسال سریع جوابها.

۲ - انسانی کردن شرایط زیستی متقاضیان پناهندگی سیاسی.

این اطلاعیه که خطاب به تمامی پسر دوستان و نیروهای دموکرات و آزادیخواه نوشته شده است، از طرف پناهندگان مقیم اردوی UFER و شوی فلور در کوپورگ، پناهندگان اردوی شافهوف و پلاتن اشتراسه در نورنبرگ، انجمن پناهندگان سیاسی مقیم شهر رگنسبورگ و اطراف، و پناهندگان اردوی موگندورف امضا شد.

و موگندورف با صدور اطلاعیه مشترکی اعلام نمودند که برای برآورده شدن حقوق انسانی و قانونی خود، اعتراضات خود را گسترش خواهند داد. در این اطلاعیه آمده است: "علیرغم واقعیات تکان دهنده ای که در ایران می گذرد، دولت آلمان فدرال بی اعتنا به سیاست های ضد بشری و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی به نحوی دم افزون فشار بر پناهندگان بویژه پناهندگان ایرانی را افزایش داده است... دولت آلمان فدرال با طولانی کردن دوران بلاتکلیفی تا احضار به اداره فدرال و در برخی موارد با تاخیر بسیار در دادن پاسخ مصاحبه ها، سلامت روانی پناهندگان را به طور جدی به خطر انداخته است. دولت آلمان با محکوم ساختن متقاضیان پناهندگی در استان بایر به زندگی در اردوهای قدیمی، غیر بهداشتی و کثیف

دولت دست راستی ایالت بایرن در آلمان فدرال، با ایجاد شرایط دشوار زیستی و روانی برای پناهندگان و با طولانی کردن دوره بلاتکلیفی آنان، طی چندین ماه اخیر بطور روزافزونی به نقض خشن و غیر انسانی حقوق پناهندگی اقدام نموده است. همانطور که در شماره پیشین نشریه "اکثریت" گزارش نمودیم، طی ماههای اخیر در بسیاری از نقاط ایالت بایرن پناهندگان ایرانی به منظور اعتراض به این تضییقات گسترش یابنده به اقدامات متعدد اعتراضی دست زده اند، در پی اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی مقیم خوابگاه موگندورف، که خبر آنرا در شماره پیش "اکثریت" انعکاس دادیم، پناهندگان ساکن چندین خوابگاه در نقاط مختلف این ایالت، از جمله ورکوبورگ، نورنبرگ، رگنسبورگ

گسترده تر باد مبارزات مردم ایران و جهان برای آزادی زندانیان سیاسی!

خبرهای جنگ

سفرماندهی ارتش عراق روز جمعه با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن رد ادعاهای ایران، اعلام نمود که هواپیماهای این کشور طی روز چهارشنبه و پنجشنبه ۲۲ پرواز جنگی در مناطق سلیمانیه، پنجوبین، اربیل و جبهه شمالی انجام داده و همه هدف‌های نظامی خود را بمباران کرده‌اند. عراق سقوطی یکی از هواپیماهای خود را مورد تایید قرار داد.

در این هفته درگیری به آبهای خلیج نیز کشیده شد. اول هفته، خارک توسط هواپیماهای عراقی بمباران شد. در پی آن یک کشتی لیبریایی مورد هجوم قرار گرفت. روز چهارشنبه بنا به گزارش منابع بحرینی یک نفتکش ترکیه در آبهای خلیج مورد حمله مهاجمین ناشناس واقع شد و به شدت آسیب دید. به دنبال آن عراق اعلام کرد که حمله پاسداران جمهوری اسلامی را به حوزة نفتی الامیه خنثی کرده است. روز جمعه به گزارش مطبوعات غرب دو کشتی دیگر در سواحل عربستان مورد حمله قایق‌های توپدار پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در این روز پاسداران در تدارک مانور وسیع دریایی در خلیج فارس و دریای عمان بودند.

انتخابات سومین دوره مجلس، امسال برگزار می‌شود

دارند که انتخابات یک صندوق را متوقف یا ابطال کنند.

لازم به یادآوری است که تحولات اخیر در وزارت کشور که به چاب‌جایی مهره‌های جناح‌های حکومتی منجر شده مناقشات میان آنها را تشدید کرده است. به گفته محتمی بیش از ۹۸ نفر توسط تغییر سمت یافته‌اند.

هفته گذشته بنا به دستور وی فرماندار نیشابور و استاندار خراسان نیز از سمت خود برکنار شدند.

نماینده نیشابور در اعتراض به اقدام وزیر کشور گفت: "فرماندار نیشابور اولاً چه ایرادی داشت که او را بر داشتند و ثانیاً قبل از انتصاب فرماندار جدید بنا به فرمایش خودتان این امر را به کی مطرح و هماهنگ کردید؟ پانزدهمین گمان تسلسل گرفتید؟ با امام جمعه مشورت کردید؟ از جامعه روحانیت کسب نظر کردید؟ شورای هماهنگی نهادهای انقلاب اسلامی را به حساب آوردید؟ جواب منفی است."

معاون محتمی در پاسخ به اعتراضات اعلام نمود که "خط‌سیاسی" هدف اساسی تغییرات در وزارت کشور بوده است.

تلاش برای خنثی کردن عسکر اولادی

رسیدن رژیم جمهوری اسلامی تقدیر کرد و ابراز امیدواری کرد که در مقابل "زحمتش"، "پاداش" نیک دریافت کند.

عسکر اولادی قبل از جعفری، وزیر بازرگانی کابینه موسوی بود. وی بعد از انتخابات دوره دوم از کابینه کناره‌گذاشته شد. همان زمان از او بعنوان رئیس دولت جناح مقابل موسوی یاد می‌شد.

با آغاز عملیات "فتح ۶" در هفته آخر خرداد ماه درجبهه شمالی که به ادعای ایران در پاسخ به بمباران سردشت توسط هواپیماهای عراق صورت گرفت، درگیری‌های پراکنده به عملیات گسترده تبدیل شدند. جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۲۰ خرداد اطلاع داد که نیروهای آن در منطقه شمالی دست به هجوم تازه‌ای بانام "نصر ۲" زده‌اند. در پی این حمله، عملیات نصر ۴ نیز در همین منطقه شروع شد.

رفسنجانی در نماز جمعه روز ۵ تیر ادعا کرد که طی یک هفته بعد از آغاز عملیات "نصر ۴"، یک شهر و ۲۰ روستای عراقی به اشغال درآمده، ۷۰۰ تن اسیر شده‌اند، ۵ هواپیما سرنگون شده و بیش از تعداد اسرا، کشته شده‌اند. وی از "پیروزیهای نصر ۴" به عنوان دستاوردهایی "سیاسی" که نتایج آن بعداً معلوم خواهد شد، یاد کرد.

روز شنبه ۷ تیر نیز رادیو جمهوری اسلامی در ادامه گزارش‌های قبلی ادعا کرد که در این روز با درهم شکستن ضد حمله نیروهای عراقی در منطقه عملیاتی نصر ۴، ۵ هزار تن دیگر از نیروهای آن به هلاکت رسیدند. بدین ترتیب شمار کشته‌های عراق بنا بر ادعای جمهوری اسلامی از مرز ۶ هزار تن گذشت.

محتمی وزیر کشور طی گفتگویی با روزنامه کیهان اعلام نمود که انتخابات سومین دوره مجلس اسلامی، در دهه سوم اسفندماه سال جاری برگزار میشود. وی توضیح داد وزارت کشور پس از بررسی دو زمان متفاوت یعنی فروردین سال آینده و اسفند سال جاری به این نتیجه رسید که مشکلات برگزاری انتخابات در سال جاری برای جمهوری اسلامی کمتر از فروردین ماه است.

وی در مورد تعداد نمایندگان دور سوم گفت: "پاتوجه به اینکه ده سال مجلس سیری نشده بنابراین در این دوره نیز همان ۲۷۰ نفر به عنوان نماینده انتخاب خواهند شد." محتمی درباره انتخابات در تهران گفت: "مجلس با پیشنهاد وزارت کشور مبنی بر اینکه تهران به سه حوزه شهر ری (۷ نماینده)، شمیرانات (۲ نماینده) و تهران (۲۲ نماینده) باشد، مخالفت کرد و قرار شد که هر سه شهرستان با هم به عنوان یک حوزه انتخابی، ۲۰ نماینده داشته باشند."

وزیر کشور در این گفتگو افزود این بار برخلاف دوره قبل نه شورای نگهبان بلکه وزارت کشور و هیات‌های اجرایی منتخب آن، "این قدرت را

ترکیه، رابطه ناتو و جمهوری اسلامی

موسوی نخست وزیر روز پنجشنبه ۲۸ خرداد در بازگشت از ترکیه نتایج سفر خود به این کشور را با خبرنگاران در میان گذاشت. وی گفت این سفر دو بعد مشخص داشت و بعد "سیاسی-اقتصادی" آن برای جمهوری اسلامی بسیار پراهمیت بود. موسوی به خبرنگاران توضیح داد که در ترکیه میان وی و اوزال بحث‌های متفاوتی به ویژه در رابطه با جنگ و خلیج فارس صورت گرفته است و تاکید کرد که جنگ به "نوعی به ترکیه هم مربوط است چرا که ترکیه هم همسایه جمهوری اسلامی و هم همسایه عراق می‌باشد و هم به نوعی با پیمان نظامی غرب (ناتو) پیوند خورده است."

در ادامه، موسوی با اشاره به مذاکراتش پیرامون مقابله با فعالیت گروه‌های سیاسی ایرانی مخالف رژیم خمینی در ترکیه گفت: "در زمینه مسایل مرزی، آن‌ها قبول نداشتند که گروه‌های ضد انقلاب در ترکیه فعالیت دارند که برادران ما اسناد و مدارک لازم را در این زمینه ارائه دادند و قرار شد بعد از این مورد بطور مشخص بحث کنیم و دلایل و شواهد خود را نشان دهیم. ما به آنها گفتیم که باید برخورد قاطعی با گروه‌ها داشته باشند زیرا بودن این گروه‌ها در ترکیه به صلاح ترکیه نیست و وجودشان منجر به درگیری‌هایی در آنجا می‌شود و همچنین مدارکی از فعالیت این گروه‌ها به آنان ارائه دادیم."

نخست وزیر جمهوری اسلامی طی مذاکره خود چندین بار به عضویت ترکیه در ناتو و رابطه آن با کشورهای امپریالیستی اشاره کرد و روابط جمهوری اسلامی را از این لحاظ با دولت آنکارا مهم ارزیابی نمود. موسوی تلویحاً گفت که مقامات ترک در این مذاکرات به نیابت از سوی کشورهای ناتو اظهار نظر می‌کردند. وی اظهار داشت:

"اطلاع یافتن از نظرات ترکیه به عنوان یک همسایه بزرگ و عضوی از ناتو و به عنوان کشوری که با کشورهای اروپایی دائم در حال تماس است و اطلاعات خوبی از دیدگاه‌های آنها نسبت به مسایل جهانی دارد برای ما مهم است!"

لازم به یادآوری است سفر موسوی به ترکیه با ورود وزیر امور خارجه ژاپن به تهران همزمان بود. تاداشیکورا ناری وزیر امور خارجه ژاپن از شرکت کنندگان اجلاس کشورهای امپریالیستی غرب در ونیز بود.

تصحیح و بوزش

در خبر مربوط به درآمد نفتی ایران طی سه ماهه نخست سال میلادی که در شماره گذشته در همین صفحه خوانده‌اید - در گزینش تیتر اشتباهی صورت گرفت و بهای فروش هر بشکه نفت ایران ۹ دلار گفته شد. درحالیکه (همچنانکه متن خبر گویاست) نه بهای فروش، که درآمد حاصله از هر بشکه نفت برای جمهوری اسلامی ۹ دلار بوده است.

در شماره ۱۶۱ صفحه ۶ ستون ۴ در سطر هفتم پاراگراف آخر، "غربی" غلط و "حزبی" درست است.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

از میان دیگر رویدادها

● به نوشته روزنامه کیهان ۲۴ خرداد، در جلسه روز یکشنبه مجلس اسلامی انتخابات هیات رئیس جدید مجلس با توزیع ۲۲۰ کارت بین نمایندگان حاضر در جلسه انجام گرفت. هاشمی رفسنجانی با ۱۸۲ رای موافق، ۱۲ رای مخالف و ۳۵ رای ممتنع به عنوان رئیس مجلس ابقا شد.

● همزمان با تعویض شناسنامه‌ها کلیه افرادی که سن آنان از ۱۵ سال به پایین است می‌باید، انگشت‌نگاری شوند. روزنامه کیهان ۲۵ خرداد در ادامه این خبر توضیح می‌دهد: در حال حاضر ۲۸ میلیون و ۲۶۶ هزار نفر بالای ۱۵ سال داریم و سالانه حدود ۲ میلیون نفر از مرز پانزده سال تمام رد می‌شوند. در سال آینده که تصمیم داریم به متولدین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ شناسنامه جمهوری اسلامی بدهیم می‌باید متولدین پانزده خرداد ۴۲ لغایت سال ۱۳۵۲ انگشت‌نگاری شوند. به عبارت دیگر شهروانی جمهوری اسلامی سال آینده ۹ میلیون و ۵۸۸ هزار و ۴۷۸ نفر را انگشت‌نگاری خواهد کرد.

اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی (ساواک) در جهت متمرکز ساختن اطلاعات خود تحت عناوین مختلف مدارک هویت مردم را جمع‌آوری می‌کند. نسخه‌ای از نمونه انگشت‌نگاریها در اختیار این سازمان قرار خواهد گرفت.

● مطبوعات ۲۳ خرداد، بر اساس پژوهشی که اخیراً توسط سازمان ملل در مورد آلودگی هوا در ۵۰ شهر آلوده جهان صورت گرفت و در ژوئو منتشر شد، شهر تهران از نظر آلودگی با گاز "دی اکسید سولفور" سومین و از نظر گرد و غبار هفتمین شهر آلوده جهان به‌شمار می‌آید.

اجلاس وزرای نفت اوپک

بقیه از صفحه اول

عضو مورد مخالفت قرار گرفته است. آخرین اخبار منتشر شده از سوی خبرگزاریهای بین‌المللی بر آن دلالت دارند که کشورهای عضو اوپک توافق کرده‌اند سقف تولیدی نفت اوپک را تا ۱۶/۶ میلیون بشکه در روز افزایش بدهند. ناظران عقیده دارند که موضوع تعیین سقف تولیدی کشورهای عضو برای سه ماهه آخر سال میلادی از موارد بحث انگیز اجلاس حاضر می‌باشد.

تصمیم به تعیین سقف تولیدی کشورهای عضو اوپک تا حد ۱۶/۶ میلیون بشکه در روز با هدف تثبیت بهای نفت در حد فعلی اتخاذ شده است. این در حالی است که برخی از اعضای اوپک پیشنهاد افزایش بهای نفت را مطرح کرده‌اند. لقمان وزیر نفت نیجریه و رئیس فعلی اوپک در جریان کشایش اجلاس اعلام کرد که در حالیکه بهای نفت پرداختی از سوی اغلب کشورهای صنعتی در سال ۱۹۸۶ به یک سوم بهای آن در سال ۱۹۸۵ تقلیل یافته است، اما مصرف کنندگان نهایی تنها از بخشی از این کاهش بها سود برده‌اند. لقمان با طرح این موضوع "کشورهای پیشرفته" را متهم کرد که عمل را بر سر افزایش تقاضا برای نفت موانع جدی ایجاد می‌کنند. باید خاطرنشان ساخت که انتشار گزارشی از اجلاس اوپک باعث افزایش بهای نفت به میزان ۶۱ سنت در هر بشکه در بازار نفت نیویورک گردید.

اجلاس مجلس خبرگان

و در آن منظری از طرف شرکت کنندگان به عنوان "ولی فقیه" و "جانشین خمینی" انتخاب شد.

جلسه خبرگان در شرایطی برگزار می‌شود که میان فقها اختلاف بر سر جانشینی خمینی و نقش آتی منظری از همیشه بیشتر شده است.

روز پنجشنبه ۲۸ خرداد خبرگزاری جمهوری اسلامی اطلاع داد که اجلاس مجلس "خبرگان" روز شنبه ۸ تیر ماه در محل مجلس اسلامی برگزار می‌شود. در اطلاعیه منتشره، به علت برگزاری این جلسه و دستور بحث آن اشاره‌ای نشد. آخرین جلسه خبرگان هفته آخر آبان‌ماه سال ۶۴ برگزار گردید.

خرید اورانیوم از آرژانتین

نظامی "جینز دیفنس" چاپ لندن با انتشار مقاله‌ای ضمن اشاره به تلاشهای سران جمهوری اسلامی برای تبدیل واحدهای صنعتی بازمانده کشور به زرادخانه نظامی، نوشت موافقت آرژانتین با فروش تکنولوژی هسته‌ای و اورانیوم غنی شده به جمهوری اسلامی رنگ خطر ساختن تولید سلاح هسته‌ای توسط رژیم تهران را به‌صدادرآورده است.

امراللهی معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی روز ۲۸ خرداد در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن تأیید خبر مربوط به خرید سوخت هسته‌ای و اورانیوم غلیظ‌شده از آرژانتین آن را یک کار عادی قلمداد کرد و گفت: "ما کار غیرعادی انجام نداده ایم."

به گزارش کیهان هوایی (۳ تیر)، کمیل معاون وزارت خارجه آرژانتین که به همراه یک هیأت اقتصادی جهت مذاکره در زمینه همکاریهای اقتصادی و بازرگانی به ایران سفر کرده بود با محمد جواد لاریجانی معاون امور بین‌المللی و اقتصادی وزارت امور خارجه ملاقات و مذاکره کرد.

در پایان مذاکرات کمیل ولاریجانی، قرار گذاشته شد جهت توافق نهایی و اجرای مصوبات آنها، یک هیأت عالیرتبه سیاسی و اقتصادی دیگر از آرژانتین به ایران بیايد.

همزمان با حضور معاون وزارت امور خارجه آرژانتین در تهران که به دنبال سفر هیأت جمهوری اسلامی به بوئنوس آیرس و تصویب قرارداد فروش اورانیوم تغلیظ‌شده صورت گرفت، هفته‌نامه امور

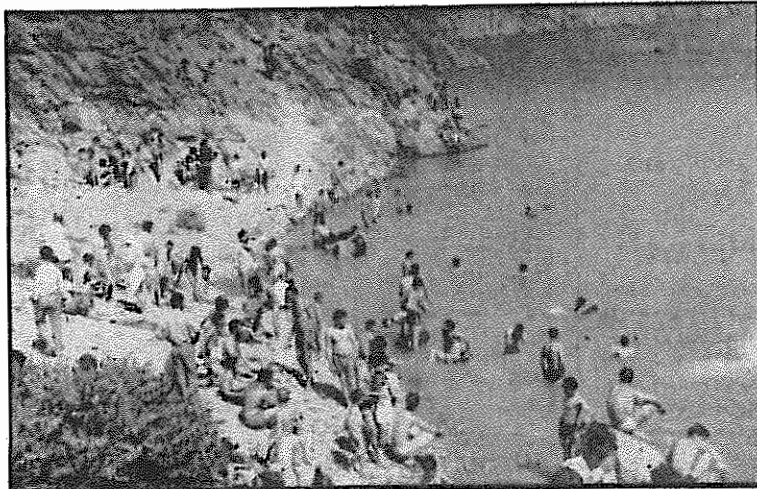
کاهش تردد کشتی‌های تجاری به بنادر ایران

سال ۱۳۶۱ به ۱۳۲۶ فروند، در سال ۱۳۶۲ به ۱۶۵۲ فروند، در سال ۱۳۶۳ به ۱۲۹۱ فروند و سال ۱۳۶۴ به ۱۳۴۵ فروند کاهش یافته است. مقایسه رقم کشتی‌های وارد و در سال ۱۳۵۵ با رقم سال ۱۳۶۴ حاکی کاهش بیش از ۵۰ درصد است. آمار موجود نشان می‌دهد که بیشترین میزان کاهش رقم کشتی‌های وارد شده به بنادر ایران طی دهه ۵۵-۶۵ مربوط به خلیج فارس است.

طبق گزارش این نشریه در سال ۱۳۵۵ در مجموع ۲۳۵۲ فروند کشتی بازرگانی وارد بنادر ایران در کرانه خلیج فارس شده است که این رقم در سال ۱۳۶۴ به ۹۶۶ فروند کاهش یافته است. در مقابل کاهش شار تردد کشتی‌های در خلیج فارس، رقم آن در بنادر دریای مازندران از ۳۷۲ فروند در سال ۱۳۵۵ به ۴۷۹ فروند در سال ۱۳۶۴ افزایش یافته است.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در آخرین شماره نشریه خود با ارزیابی شمار کشتی‌های عازم بنادر ایران نوشت تشنج خلیج فارس در سالهای اخیر و بروز جنگ ایران و عراق و تنزل شدید واردات جمهوری اسلامی موجب گردیده است که طی دهه ۱۳۶۴ - ۱۳۵۵ از شمار کشتی‌های بازرگانی عازم بنادر ایران در خلیج فارس و دریای مازندران به تدریج کاسته شود.

بنابراین آمار مندرج در این نشریه، در حالی که در سال ۱۳۵۵ در مجموع ۲۷۲۵ فروند کشتی بازرگانی در بنادر شمالی و جنوبی کشور پهلو گرفته‌اند این تعداد در سال ۱۳۵۶ به ۲۳۱۰ فروند، در سال ۱۳۵۷ به ۲۸۷۹ فروند، در سال ۱۳۵۸ به ۱۴۹۵ فروند، در سال ۱۳۵۹ به ۱۳۹۵ فروند، در سال ۱۳۶۰ به ۱۱۹۴ فروند، در



در گریز از گرما - شنای آبهای دریاچه سد کرج

رفسنجانی: حساس ترین مقاطع جنگ در دوسه ماه آینده خواهد بود

جنگ - نگاهی در چشم انداز

بقیه از صفحه اول

از عملیات کربلا تا کنون

کربلای ۵ و ۴ دی ماه سال گذشته بر اساس استراتژی تازه ای، جبهه ناحیه شلمچه را غرق در خون کرد. هدف این حملات و حملات مکمل آنها گرفتن بصره و دست کم به محاصره در آوردن کامل آن بود. این حملات، شمره ماهها پیچ نیرو بود. استراتژی "یکی دوش به عمیق نقاشی" و نیز "تاکتیکیهای نفوذی و عملیات محدود" راه به جایی نبرده بود و رژیم با این گمان نقشه کربلاها را ریخته بود که بتواند با بیشترین پیچ نیرو، با بهره گیری از تمام ظرفیت ماشین جنگی، اساسی ترین ضربه ممکن را بر ارتش عراق وارد سازد و پایک پیروزی چشمگیر، جنگ را از حالت بن پست درآورد. رفسنجانی در نماز جمعه ۲۶ دی ماه تهران و با اشاره به حملات خونباری که رو به بصره داشتند، تاکید کرد: "در اینجا سرنوشت نهایی جنگ تعیین می شود." اما سرنوشت جنگ، چیزی جز تعمیق حالت بن پست نبود و با بیشترین کشتارها در اطراف دریایچه مامی نیز، راهی بر خروج از بن پست، گشوده نشد.

کشتار تنها به محور شلمچه و نیز جبهه مرکزی و شمالی محدود نماند و طبق معمول دامن مناطق مسکونی را نیز گرفت. جنگ شهرها مجدداً عین سببیت و درنده خویی هر دو رژیم خمینی و صدام حسین را به نمایش نهاد و مفهوم جنگ تمام عیار خمینی را با کشته های پشته شده در شهر و روستا معنی کرد.

همچنان که گفتیم سلسله عملیات کربلا در دی و بهمن ۶۵، بهره گیری رژیم از کل ظرفیت ماشین جنگی خود بود. جنگ در ناحیه شلمچه، نشان داد که باتوسل به گسترده ترین کشتارها نیز در سرنوشتش تغییری حاصل نمی شود و داعیه فتوحات سرنوشت ساز، سرابی بیش نیست.

کربلای ۵ و ۶ و عملیات مکمل آنها پس از پیام اول فروردین ۶۵ خمینی، و پیچ حداکثر نیرو به صورت راه اندازی لشکریهای "محمد و مهدی" صورت گرفت. رژیم برای پیچ نیرو از هیچ تلاش و بکیر و بهندی فروگذار نکرد و اعلام نمود که حاضر است

همه کارها فرو گذاشته شود تا جبهه ها بر گردد.

حمله به جانب بصره در دوره پس از سفر مک فارلین به تهران صورت گرفت. تماس مستقیم با آمریکاییان و یارتی های کلان اسلحه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از آمریکا، اروپای غربی و اسرائیل، بر حسارت رژیم برای دست زدن به یک حمله "سرنوشت ساز" افزودند. پیش از این حمله، سران رژیم مدام از امکانات مساعد بین المللی سخن می گفتند و مدعی بودند به لحاظ سیاسی نیز شرایط برای هجمه نهایی آماده شده است.

حساس ترین نقطه در جبهه گسترده جنگ با عراق، منطقه جنوبی و مشرف به بصره است. از همین رو هرگونه دگرگونی اساسی در صحنه نظامی جنگ باید در درجه نخست ناظر بر تحولاتی در ناحیه بصره باشد. حملات دی و بهمن سال گذشته رژیم نیز از آن

رواهیت ویژه ای داشتند که در مهمترین و حساس ترین نقطه جبهه صورت گرفته و از یک ظرفیت لجستیکی حداکثر - باتوجه به مجموعه مشخصات منطقه و ویژگی های ماشین جنگی رژیم - برخوردار بودند.

با توجه به مجموعه این فاکتورهاست که کربلای ۵ و ۶ را باید به مثابه یک شاخص و یک نقطه عطف در نظر گرفت، و از همین رو بی معنی نخواهد بود اگر به دوره اخیر، دوره پس از کربلاها نام بگذاریم. آیا رژیم قادر به دست زدن به حملات دیگری همچون کربلای دی ماه سال گذشته خواهد بود؟ حتی پاسخ مثبت به این سؤال در تحلیل دوره کنونی تغییر مهمی به عمل نمی آورد و ایجاب نمی کند در تبیین مشخصات عمده کربلای گذشته - برخورداری از حداکثر توان رزمی پس از ماهها پیچ نیرو، برخورداری از

مساعده ترین شرایط لجستیکی، برخورداری از مساعدترین شرایط بین المللی بنا بر محاسبات رژیم - تغییری به عمل آید. اگر در آینده حملات گسترده دیگری - که رژیم همچنان در تدارک آنهاست - صورت گیرد، از مجموعه این امکانات مساعد برخوردار نخواهد بود، در آرایش قوا تغییری صورت نخواهد داد و از زاویه ارزیابی نظامی شاخص تازه ای محسوب نخواهد شد. دوره پس از عملیات "سرنوشت ساز" کربلای ۵ و ۶ برای رژیم در بهترین حالت دوره درجا زدن است. پس از توجه به این کیفیت است که می توان فاکتورهای تازه را در تحلیل فاز فعلی جنگ دخالت داد و سرکشتگی رژیم را محسوس تر به تصویر آورد.

اما عملکرد عینی این منطق یک چیز است و تاثیر آن در ذهن فقها یک چیز دیگر. پس از کربلای ۵ و ۶ رژیم به پیچ نیرو ادامه داد و همزمان دست به حملات محدودی همچون فتح ۶ و نصر ۲ و ۴ در جبهه شمالی زد. در این فاصله بعضاً خطر از سرگیری جنگ شهرها نیز برچسته شد. تبلیغات جنگی بر روی پیچ بیشتر نیرو و "جنگ، جنگ، تا پیروزی" ادامه یافت و خمینی در روز جمعه ۸ خرداد در دیدار با سران حکومت به مناسبت عید فطر تاکید کرد که در پیچ جنگی نباید سستی صورت گیرد. او در این دیدار به شکل معنی داری تاکید کرد: "آنها که می گویند باید سازش کرد، آیا می فهمند که اگر سازش کنیم، له می شویم؟" و همچنین افزود همه "در جبهه در فعالیت باشند. هر روز که به تعویق افتد، این قضیه مشکل تر می شود."

"مشکل تر شدن قضیه"

قضیه، به راستی مشکل تر شده است. دودسته از عوامل که می توان یکی را جاری و دیگری را متغیر نامید قضیه را برای خمینی مشکل تر می سازند. عوامل جاری، عواملی هستند ثابت اما با تاثیرات تصاعدی، عواملی از قبیل بحران اقتصادی و نفرت فزاینده مردم از جنگ. عوامل متغیر، حوادثی هستند که در هر دوره تاریکی دارند و اگر چه از فاکتورهای ثابتی ناشی می شوند، در هر دوره باید بر روی نوع و حد تاثیر بروز آنها به این شکل و یا به آن شکل، به صورت جداگانه مطالعه کرد. ما تا کنون عمدتاً در عرصه بین المللی و خاصه تحولات منطقه با چنین عواملی مواجه شده ایم.

عوامل جاری اکنون تاثیرات



خفه کننده ای یافته اند. بحران وتورم ناشی از جنگ، پنجه برکلوی اقتصاد کشور افکنده است. بودجه جنگ بیش از یک سوم کل بودجه کشور است و به همین نسبت نیز درآمد ارزی حاصل از فروش نفت را می بلعد.

در مقاطعی، جنگ، صدور نفت را دچار مشکلات جدی می سازد. مقطع کنونی، به لحاظ بالا گرفتن بحران در خلیج نیز برای صدور نفت، تهدید کننده است. عراق در هفته گذشته، پس از وقفه ای که به دنبال حمله به کشتی آمریکایی "استارک" پدید آمده بود، پرمیزان حرکات خود در ناحیه خلیج فارس افزود. عراق در روز یکشنبه (۲۱) خرداد به نفت کش تناسیتی در اسکله خارک حمله برد و پس از آن اعلام کرد که حملات خود راهب تاسیسات نفتی ایران و نفت کشتیهای که حامل نفت ایران باشند، ادامه خواهد داد. در سال گذشته میلادی خارک حدود ۱۲۰ بار مورد حمله هوایی عراق قرار گرفته بود. حملات متمرکزی همچون سال گذشته رژیم را با مشکلات مهمی مواجه می سازد.

بحران در خلیج، زمینه ساز تشدید جنگ نفت کش ها نیز شده است. در سه ساله گذشته بیش از ۲۰۰ کشتی تجاری در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته اند.

توانایی رژیم برای بسیج نظامی، توانایی محدودی است. تا کنون امکان بسیج نظامی به عنوان یک فاکتور ثابت در مجموعه امتیازات نظامی رژیم گنجانده می شده است. بسیج نظامی سال گذشته، مجموعه امکانات رژیم در این زمینه را به نمایش نهاد. هر چه میگذرد این امکانات محدودتر می شود. مردم شمره بسیج نظامی سال گذشته راه چشم دیدند. هزاران خانوار در اواخر سال گذشته عزادار شدند. اخیراً طارق عزیز وزیر خارجه عراق اعلام کرد که در جریان جنگ هفت ساله ۸۰۰ هزار سرباز ایرانی و ۲۰۰ هزار سرباز عراقی کشته شده اند. در این ارقام نباید چندان اغراق شده باشد و این تناسب نیز واقعیتی بنظر می آید. نسبت ۴ به ۱ در مجموعه کشته ها - در کربلاهای ۴ و ۵ که شمره اوچ بسیج نظامی بودند - کاملاً محسوس بود.

نمودهای نفرت مردم از جنگ هنوز تدافعی است، اما این نفرت، مدام در حال تراکم است. تراکم این نفرت در چشم رژیم پدیده خوفناکی است، ماده محترقه ایست که هر دم بر فسادگی آن افزوده می شود.

در کنار این عوامل، باید به امکانات ویژه عراق نیز توجه کافی

داشت. آزمایشهای عراق برای مقابله با یک "کربلا"ی دیگر کاسته نشده است و حتی می توان گفت بر این آمادگی افزوده گشته است. عراق نقاط حساس چپه را با نیرو و تجهیزات بیشتری پوشانده است. همین هفته گذشته بود که عراق اعلام کرد خاصه در عرصه جنگ هوایی و جنگ نفت کشها آمادگی ویژه ای کسب کرده است. روزنامه القوه ارکان رژیم عراق در شماره ۲۱ ژوئن خود از قول رئیس نیروی هوایی صدام حسین، ژنرال حامد شعبان نوشت که عراق آماداست در جنگ هوایی سلاحهای تازه ای را به کارگیرد. امکان از سرگیری جنگ شهرها و تشدید جنگ نفت کشها را خاصه پس از روشن شدن نتایج عملکردها عوامل بین المللی، کاملاً باید در نظر داشت.

عوامل بین المللی

جنگ ایران و عراق در زمره نفوت انگیزترین حوادثی است که اذهان جهانیان را به خود مشغول می سازد. دیپلماسی، دو شکل امپریالیستی و ارتجاعی خود نیز، در هر دوره ای از منطقی برخوردار است. این جنگ ارتجاعی، می گوشت از چارچوب منطق دیپلماسی ارتجاعی امروزین نیز بگریزد و خود را فراتر از دیپلماسی قرار دهد. این جنگ، کشتی کج است - نوعی کشتی که قاعده آن بی قاعدگی است، در آن هیچ چیزی "قول" نیست، می توان مشت زد، گاز گرفت و لگد انداخت. کار داور فقط می تواند این باشد که بر خاک افتادن یک حریف را اعلام کند. از جهانیان جمهوری اسلامی می خواهد "بی طرف" باشند و دست کم نقش چنین داور را ایفا کنند. اما امپریالیسم جنگ طلب و آتش بیار معرکه نیز نمی خواهد "داور"ی از این دست باشد. او منافع خود را در مجموع خود در نظری میگرداند و همینرو در دیپلماسی آشکار، بهنگام، بر قواعد کنترل کننده کشتی مرگ، تاکید می کند.

جنگ ایران و عراق تا کنون، به دلیل ویژگی رژیم جمهوری اسلامی، از عوامل بین المللی، تاثیر پذیری مستقیم ضعیفی داشته است. این قاعده اکنون به قوت همیشگی خود عمل نمی کند. بعد منطقه ای جنگ و فاکتور خریدهای تسلیحاتی و مناسبات تجاری نقش عامل بین المللی را در چشم تهران برجسته تر می کند. در ضمن نباید فراموش کرد که رژیم فقها اکنون در فاز پس از سفر مرگ فارلین به

سر می برد. در این دوره خطا نیست اگر از "آل پلیتیک" آخوندی گفته شود. عنصر رآل (واقع گرایانه) در این سیاست در درجه نخست حفظ مناسبات تسلیحاتی و اقتصادی با امپریالیستها و اقمار آنها و نیز حفظ شرایط میسر بودن تداوم فروش نفت است.

اکنون فضای منطقه و کل فضای بین المللی، بیش از گذشته بر رژیم خمینی فشار وارد می کند. شورای امنیت سازمان ملل متحد، تصمیم گیری مهمی در خصوص جنگ ایران و عراق را در دستور کار قرار داد و اکنون طرحی را در دست بر رسی دارد که بر مبنای آن به هر دو رژیم صدام حسین و خمینی پیشنهاد آتش بس داده می شود و اگر هر طرف نپذیرفت در مورد آن سیاست تحریم فروش اسلحه اعمال می گردد. در ژنو نیز بین مقاماتی از وزارت خارجه شوروی و آمریکا در همین مورد، مذاکراتی صورت گرفته است. اتحاد شوروی پیگیرانه می گوشت که طرح صلح به تصویب شورای امنیت برسد تا زمینه فعالیت های بیشتر برای ممانعت از تداوم جنگ، فراهم گردد.

هیاتی از اتحادیه عرب به ریاستی شاذلی قلیبی دبیر این اتحادیه نیز با خاور پیرز و کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد ملاقات کرده و خواهان تصویب قطعنامه در دست بررسی شورای امنیت گشته است. در هفته گذشته ملک حسین به دمشق رفت و با حافظ اسد ملاقات کرد. با این کننتایج مذاکرات آنها انتشار نیافت، اما می توان گفت جنگ ایران و عراق و مناسبات خصمانه سوریه با عراق و در سمت مقابل، مناسبات دوستانه آن با جمهوری اسلامی، از جمله محورهای مذاکره بین سوریه و اردن بوده است. از سوی دیگر سرهنگ قذافی رهبر لیبی در مصاحبه ای با روزنامه کویتی الرای العام خواهان پایان یافتن جنگ ایران و عراق شد. حزب سوسیالیست یمن دموکراتیک نیز در کنفرانس سرتاسری هفته گذشته خود مجدداً بر ضرورت پایان یافتن جنگ ایران و عراق تاکید کرد و این موضوع را در قطعنامه پایانی کار خود گنجانده است.

اکنون کویت در کانون برخی از تحولات منطقه در رابطه با جنگ ایران و عراق قرار گرفته است. کویت خواهان مصون بودن نفت کش های خود از تعرضات جنگی است. قرار بوده است از اول ژوئیه ۱۱ نفت کش کویتی با پرچم آمریکا در خلیج فارس

و دریای عمان رفت و آمد داشته باشند.

آمریکا در خلیج فارس

و دریای عمان

حرکت نفت کش های کویتی با پرچم آمریکا و یا اسکورت آنها، موضوع حضور آمریکا در منطقه را خاصه پس از قضیه حمله هوایی عراق به ناو آمریکایی "استارک"، به موضوعی بحث انگیز تبدیل کرده است. بحث انگیز هم در سطح منطقه و هم در درون هیات حاکمه آمریکا. ریکان و بنتاگون بر تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه تاکید می کنند. عواقب این امر چه خواهد بود، بویژه در صورت یک "ماچراچوبی" از سوی آمریکا و یا جمهوری اسلامی؟

آمریکا باز است بر قرار کننده "امنیت" می خواهد حضور خود را در منطقه تقویت کند. آمریکا می خواهد به متحدین عرب خود بفهماند که ناوگانهای اوست که تنگه هرمز را باز نگه داشته است. اما همین متحدین عرب نیز از عواقب چنین "امنیتی" هراسانند. آمریکا با خود تشنج بیشتر راه همراه می آورد.

زمینه تشنج را جمهوری اسلامی فراهم کرده است. لیکن رژیم نمی تواند و نمی خواهد تا آن حد پیش رود که تشنج در خلیج فارس مساله صدور نفت ایران را نیز مختل کند. تشنج در خلیج در درجه اول برای جمهوری اسلامی تا آن حد سودمند است که کویت نتواند از امکان رفت و آمد دریایی خود به سود عراق بهره گیرد. جمهوری اسلامی از تشدید فضای تشنج در منطقه بهره گیری تبلیغاتی نیز می کند و می گوشت بدان بار مستقلاً از تداوم جنگ ایران و عراق و جنگ طلبی خود بدهد. اکنون بویژه در شرایطی که شورای امنیت سازمان ملل متحد، بعنوان مهمترین مرجع بین المللی، جنگ ایران و عراق را در دست بررسی دارد، این بهره گیری تبلیغاتی از تشنج در خلیج فارس برای رژیم اهمیت یافته است.

تداوم کشتی کج

سران جمهوری اسلامی پیشاپیش به حمله تبلیغاتی علیه شورای امنیت رو آورده اند. از سه هفته پیش این تبلیغات بالا گرفته است. از جمله خامنه ای در مقام رئیس شورای عالی دفاع و رئیس جمهور خمینی در نماز جمعه ۲۲ خرداد تهران گفت، "ما مصوبات شورای امنیت را به چیزی نخواهیم گرفت و قبول نخواهیم بقیه در صفحه بعد

جنگ...

بقیه از صفحه قبل

کرد. "خامنه‌ای در ادامه این سخنان به نوعی موضوع آتش بس، آنهم صرفاً در آبهای خلیج فارس را پیش کشید و گفت: "اگر از ایران و عراق خواسته شود که کشتیها در خلیج فارس زده نشود، این خوب است" و بلافاصله افزود "اما آخرین نکته این است که در خلیج فارس هر اتفاقی بیفتد، در سرکشت جنگ در مرزهای خاکی ما هیچ تاثیری نخواهد داشت." (رسالت ۲۲ خرداد)

نحوه فرمول بندی پاسخ جمهوری اسلامی به پیشنهاد شورای امنیت نیز جز این نخواهد بود، تداوم کشتی کج در چپه زمینی و قطع آن در عرصه دریا و هوا، اما اگر پای تحریم فروش اسلحه پیش کشیده شود، چه خواهد شد؟ جمهوری اسلامی در این زمینه به امتیازدهی‌های بیشتری رو می‌آورد. موسوی نخست وزیر پس از بازگشت از سفر ترکیه اهمیت مذاکرات خود با سران ترکیه را آن دانست که این کشور عضو ناتو است. او در یک مصاحبه مطبوعاتی چند بار این نکته را متذکر شد. بهرحال، مناسبات بین المللی در جهان سرمایه داری، آنقدر سوراخ دارد که جمهوری اسلامی را امیدوار کند از طریق آنها سلاحهایی به او رسانده شود.

اما فشار بین المللی یک واقعیت است و دیپلماسی پنهان تا حد معینی می‌تواند جایگزین دیپلماسی آشکار شود. واقعیت مهمتر تاثیر عوامل داخلی است. اما همچنان که تاکید کردیم عملکرد عینی منطق واقعیت یک چیز است و تاثیر آن در ذهن فقها یک چیز دیگر. فقها حتی اگر به این نتیجه برسند که نمی‌توانند به جنگ ادامه دهند، خود مدتها به تبعیت از نیروی ماند حرکت دستگاه ایدئولوژیک خود در زمینه جنگ طلبی، شعارهای جنگ طلبانه خواهند داد. امامیان فقهای رهبری کننده رژیم هنوز نمودی از رسیدن به این نتیجه گیری دیده نمی‌شود. رسیدن به این نتیجه گیری، از خلال درگیری‌هایی جدی می‌گذرد. رآل پلینیک آخوندی هنوز تا یافتن راهی برای پایان دادن به جنگ، خیلی فاصله دارد. اما مردم، دیر زمانی است به نفرت از جنگ ارتجاعی رسیده‌اند و از توهم در این زمینه فاصله گرفته‌اند. در فاز فعلی، مردم، نفرت از جنگ را بیشتر از کلاشته با نفرت از خمینی، قرین خواهند ساخت. *

فرا تر از جنون

حکومت او را شاهد شهادت، به دلیل آن همه جنگ و کشتار... یکی گفت اگر شهابست امام زمانی بپاید که جنگ باشد، کشتار باشد، مجروح باشد، معلول باشد، جنگیدن باشد، ما آن امام زمان را خواسته بودیم. ما امام زمانی را خواسته بودیم که بپاید و با آمدنش چنسا ارزان شود. بعضی‌ها می‌گویند در زمان امام زمان، جنس را آدم‌ها با صلوات می‌خرند، پول هم نمی‌خواهد کوبین هم نمی‌خواهد. ما امام زمانی نمی‌خواهیم که وقتی می‌آید جنگ داشته باشیم، بازمعلول داشته باشیم، باز مجروح داشته باشیم...

همه ما می‌گوییم پشت میزی که نشستیم، صبح می‌رویم راحت می‌نشینیم تا غروب. ما پشت چپه را نگه داشتیم! از میدان جهاد در رفتیم و آمدیم پشت میز و می‌گوییم اینجا هم چپه است! از میدان جهاد فرار کردیم و آمدیم روی صندلی و می‌گوییم اینجا هم چپه است! اگر اینطور است وای بر ما!

اگر ما ارقام دقیق را به مردم می‌گفتیم بهتر بود، چون مردم فکر می‌کنند اوه، در این جنگ ۷ ساله ما چقدر شهید دادیم. ولی می‌گوییم ۷ سال، سالی ۱۰ هزار شهید ۷۰ هزار شهید دادیم. حداقل به صد هزار هم شریسته است. ولی من رقم بالا را می‌گیرم و می‌گویم برادر، مادر یک جنگی شرکت کردیم صد هزار شهید دادیم، دوست هزار شهید دادیم، سی صد هزار شهید دادیم، یک میلیون شهید دادیم، بیشتر از این که نیست با ادامه این جنگ! *

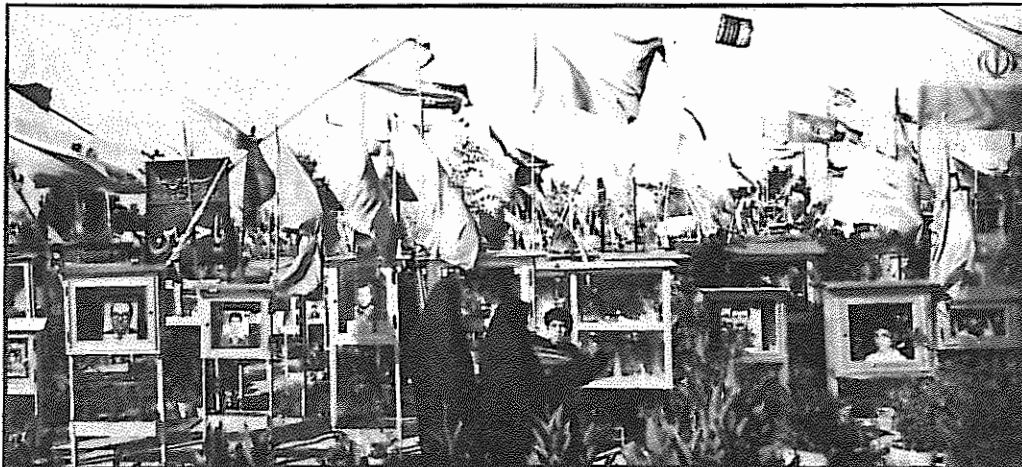
باید مقاومت کنیم، پس حداکثر ۲۰ سال می‌توانیم بجنگیم. خیر! امام فرموده است که ما باید ۲۰ سال بجنگیم، این کلمه ۲۰ بیان کثرت است شهت تعیین عدد. یعنی اگر ۲۰ سال و اماه باشد ما نمی‌جنگیم؟ اگر ۲۲ سال بشود نمی‌جنگیم؟ این چه تصویری است که ما از جهاد و جنگ داریم؟... این تفکر، تفکر غلطی است که همواره چرتکه بزنییم که جنگ شد ۷ سال و یک ماه، شد هفت سال و ۲ ماه، مثل این سربازهایی که تازه به سربازی می‌روند. از همان روز اول که می‌روند به سربازی، شمارش معکوس را شروع می‌کنند. می‌گویند ۲۲ ماه ۲۹ روز ۱۲ ساعت و چند ثانیه از خدمت باقی مانده است. ما از اول شمارش معکوس را شروع کردیم که آقا جنگ کی تمام می‌شود؟ یعنی چه، جنگ کی تمام می‌شود! چه معنایی دارد؟ چه مفهومی دارد؟ بعضی‌ها می‌گویند آقا تا کی شهید بیاورند؟ این چه حرفی است؟! مثل این که یک کسی بگوید تا کی من نماز بخوانم، تا کی ما روزه بگیریم؟ دو جور دید هست، یک دید این است که من راحت زندگی کنم، از زن و فرزند و زندگی دور نمانم، فرزندم از من دور نماند، زندگی، بسادگی، باخوشی بگذرد. یک جور دید این هست که خدایا، با کفر بجنگیم!... فرهنگ جنگ برای بعضی‌ها چا نیفتاده است. بعضی‌ها با تردید می‌شکند...

اگر مردم بداند هنگام ظهور امام زمان چه اتفاقی می‌افتد، اگر میدان جنگ و جهاد و کشتار را ببینند که به دست امام زمان چقدر آدمها کشته می‌شوند، خیلی‌ها دلشان می‌خواهند امام را شهیدند و دوران

تهلیفات جنگ طلبانه پان اسلامیتی اکنون دیگر نمی‌تواند برای توجیه خود صحبت "دفاع از میهن" را پیش کشد ویر شاسیونالیسم ارتجاعی سوار گردد. این تهلیفات اکنون در شکل عریان خرد می‌گوید مای جنگیم، برای این که بجنگیم، ما به عشق خون و کشتار می‌جنگیم. بر جلوه کردن سادیسیم پان اسلامیتی بی علت نیست. سادیسیم پان اسلامیتی می‌خواهد در برابر علامت سوالی که مردم با غیظ و نفرت در برابر جنگ می‌شوند، پاسخی ارائه دهد. این پاسخ را ضمن اشاره به آن سوال، حجت الاسلام پلیدی به نام روحانی، رئیس کمیسیون دفاع مجلس، در اطلاعات ۲۴ خرداد چنین تبیین کرده است:

"با میزاشها و معیارهای انسانهای سطحی، ساده لوح، ساده بین، چقدر زیبا و خوب است که انسان بهمانند، سالم هم بهمانند، زندگی مرفهی هم داشته باشد، عمری پس طولانی داشته باشد و در نهایت، بدون بیماری، بدون دردسر، با کمال راحتی دردم جان سپارد، آن هم در زمانی که ازدواج کرده باشد و فرزندانش بزرگ شده باشند.

خیلی‌ها الان می‌پرسند و می‌گویند آقا جنگ تا کی؟ تا کی مردم شهید بدهند؟ تا کی جوانها شهید بشوند؟ جنگ کی تمام می‌شود؟ ما بی تعارف می‌گوییم در طول عمر باید یک بار جهاد اتفاق بیفتد، آن هم هفت روز، آن هم یک ماه، آن هم دو ماه، جنگ هفت ساله نداریم، ما جنگ ۱۰ ساله نداریم، ما جنگ ۲۰ ساله نداریم. بعضی از آدمهای دوران ملائطی می‌گویند چون امام فرموده جنگ اگر ۲۰ سال هم طول بکشد، ما



سیستان و بلوچستان

زندگی در فراسوی فقر

(بخش اول)

مجبوریم از محل درآمدهای دیگر علوفه گرانقیمت از شهر تهیه کنیم که گاهی آنهم میسر و ممکن نیست. آنچه از روستای "ریگ چاری" در گزارش کیهان گفته شده، تصویر کم رنگ گوشه ای از این دیار تشنه و گرسنه است. با اینهمه آنچه در همین سطور به چشم می خورد گواهی است بر اینکه سیستان و بلوچستان آیینی تمام نمای فقر و محرومیت است، چرا که "ریگ چاری" رادر وجود اکثریت روستاهای

هامون طغیان کرد و عده ای کشته شدند. آنها همین کپر نشین های فلاکت زده هستند که هر بار دسته دسته می میرند، اما نه فقط با سبیل.

روستایی بلوچ و زابلی از همه چیز محروم است. در گزارش کیهان می خوانیم که،

"روستای "ریگ چاری" بطور کلی از هیچگونه وسایل رفاهی برخوردار نبوده و زندگی آنها تقریباً ابتدایی و قرون وسطایی بوده و نه از بهداشت و درمان و نه آب و برق و حمام و مدرسه و از وسایل امروزی در اینجا خبری نیست، و بچه ها بطور کلی ۹۰ درصد بی سواد بار می آیند و ۱۰ درصد بقیه هم چنانچه امکاناتی برای رفت و آمد به شهر داشته باشند می توانند به تحصیلات خود ادامه بدهند. از روستا به شهر بطور کلی وسیله نقلیه نیست، مگر بصورت اتفاقی و تصادفی اتوموبیلی به شهر برود تا روستاییانی که در شهر کاری دارند و حامل مریضی هستند بفرستند خود را به شهر بفرستند. بپیرمردی ۱۰۰ در پاسخ این سؤال که آیا درآمدش از حصیر بافی و دامداری کفاف معاش او را می کند یا خیر، گفت: دامداری در سال هایی که مثل امسال خشکسالی است بسیار سخت است و برای نگهداری چند گاو گاهی

آنچه که هست را نمی توان تنها فقر نامید، چیزی در فراسوی فقر است. فقر آنچنان مهیب است که هیچ کس را یارای انکار آن نیست. در گزارش روزنامه کیهان نیز به آن اعتراف می شود و با اشاره به نوشته مولف انگلیسی گفته می شود که امروزه نیز "در سیستان همچنان شاهد زندگی روستاییان با همان شیوه اولیه دهها سال قبل هستیم."

طرح یک روستا

" همه جا زنی و حصیر محصور و مسقف بود و در هر سوردیغی ازنی های بلند بهم بافته تشکیل دیواری را می داد که یا محل سکونت روستاییان و یا جای نگهداری دام و طیور بود. این روستا یا به عبارت دیگر حصیر آباد که در ساحل شرق دریاچه هامون قرار گرفته "ریگ چاری" نام داشت و از لحاظ کشوری جزو بخش "پشت آب" زابل است. "ریگ چاری" که سکنه کپر نشین آن کپره های خود را در فواصل نامنظم و پراکنده ایجاد کرده اند حدود ۲۰۰ خانوارند که عموماً از شغل دامداری و صید و شکار پرندگان، برده و حصیر بافی امرار معاش می کنند..."

این طرح یک روستای سیستان در نخستین نگاه است، کپرهایی در کناره هامون، بسیار شنیده ایم که سیل آمد و

استان سیستان و بلوچستان آیینی تمام نمای فقر و محرومیت است. غبار رنجی که سال سیمای زحمتکش بلوچ یا سیستانی را پوشانده است. این رنج بویژه در چهره روستائیان این دیار پر نمودن است. این رنج پارو پیر است که تا به امروز استمرار یافته است. روزنامه دولتی کیهان (۲۶ اردیبهشت ۶۶) در گزارشی از سیستان و بلوچستان به نقل از یک مولف انگلیسی زندگی روستائیان این منطقه را در سالیان دورتر چنین تصویر می کند،

"... اثاثه یک خاشوار عموماً یک چرخ شخ ریسی (در اصطلاح محلی "چر" نام دارد) - یک گهواره چوبی سنگین (که اکثر آمو روئی است) و آسیای دستی می باشد. کف کپرها انباشته از حصیرها، نمدها و پوششهای نامناسب و کثیف است و گاهی یک تنگک سر بر نیز پای دیواری گذاشته شده و یا به اسکلت کپر آویخته است... معدودی ظرف برای گرم کردن شیر و پختن غذا و همین ها کل مایملک یا تمام اثاثه زندگی یک خاشوار کاودار می باشد."

این تصویر فقر دیروز است اما در عین حال تصویر کاملی از رنج و فقر امروزی هم هست. محرومیت پایدار، همه چیز را پلاتیغیر نگذاشته است.



این استان می توان شناخت و ساکنین رشدیده آنرا در وجود بخش اعظم روستائیان سیستانی و بلوچ که داغ پیدادستمران بر چهره شان نقش بسته است.

در شماره آینده نشریه بر ابعاد این واقعیت تلخ به گوشه ای گسترده تر نظر می افکنیم.

۴. گاو

چنان خوانیم آشنایک،
که پژواکش، ستمگر را بسوزاند.

نکه کن آه نقتان را!
به دل رنج تورادارد،
که از آتش نمی کاهد.
نکر طغیان عمان را،
که با امواج پیدارش
تورا چون خویش می خواهد.

هلا!
فرزند کوهستان
لهیده زیر گام "شیخ و شاه و خان"
دهن پر از آبدوش افکن
بن پیداد را برکن
به هر سویی خروش افکن
که ما چون کوه نقتانیم
به سان خشم عمانیم.

۱- نقتان، کوه معروف بلوچستان است که بخاری سفید رنگ از دماغه آن متصاعد می شود.
۲- دهن پر- تنگک قدیمی بلوچهاست.

ضربت آخر؟

بیا این هستی غمبار را،
آوار گردانیم. و سنگ کاخ فردا را، برین آوار بگذاریم.
که ما آئینده سازانیم.

بیا آغوش وحدت را
به روی خلق کردستان،
برادروار بکشاییم
که مادر راه آزادی،
شریک رزم گردانیم.
بیا ای تفته برسد آن تابستان
بیا ای پتک محنت بر سر ت کوپان
به دستت چرخ بیکاری،
به پایت میخ بیکاری
بیا ای سنگ تپیا خورده دوران
بیا ای اخگر عصیان،
بیا!
راه قیام کارگزار را،
که می توفند چون توفان
که پویانند چون دریا
که تنها منجی خلق اند، بسیاریم.
و آزادی ایران را،

بیست و نهم

بیا پدر بهار را،
به دشت بی گل و خشک بلوچستان، بر افشانیم
و سیرایش کنیم از چشمه خفون دلها مان
که اشک چشم حرامانیم.
بیا سنگ درشت مشتاهان را،
به هم چینیم چون کوهی،
که نیرومندتر، از کوه نقتانیم. (۱)

بیا با خون کلگون شهیدان، پرچمی سازیم
بهام کوه نقتانش، بر افرازیم
و در پایش، سرود آسمان سای راهی را،
رها سازیم.
که چانه بازان ایرانیم.

کپرها، یادگار رنج چانسوز بلوچهاستند
بیا فانوس شادی را، ز خون خود بر افرازیم.
کپره های سیه را، روشنی بخشیم،
که ما آیینده دارانیم.
بنای هستی شکنان امروزی و پیرانین،
ترک خورده ست، چون جام سفالینی،
که امین مشت قهر آمیز ویرانگر،
زند بر این بنای محنت آور،

نوسازی و آگاهی اجتماعی

الکساندر پاکولف، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در پلنوم هفته گذشته کمیته مرکزی به عضویت دفتر سیاسی برگزیده شد، ماه آوریل در یک گردهمایی با شرکت روشنفکران علمی و هنری در دوشنبه (پایتخت جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان) سخنرانی کرد. در زیر بخشی از این سخنرانی را می‌خوانید:

نزدیک به دو سال از هنگامی که پلنوم آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. فصلی نوین در زندگی ما کشود، می‌گذرد. این دوره کوتاه برای کشور، حزب و هر یک از ما بسیار مهم بوده است؛ اهمیت آن را یک واژه کوتاه و ساده تعریف می‌کند: نوسازی.

و اگر در مقایسه امروز با آن گذشته نه چندان دور ببریم که چه چیز در این دوره به ملموس‌ترین وجه تغییر کرده است، من می‌گویم این ماهستیم که پیش و بیش از همه و همه چیز تغییر کرده‌ایم. ما به گذشته و حال خود کامل‌تر و دقیق‌تر، و به آینده، واقع بینانه‌تر می‌نگریم. ما هنوز در حال آموختن بسیاری چیزها هستیم، اما بسیاری چیزها را نیز دریافته‌ایم و احساس کرده‌ایم. ما به نیروی تجربه، دانایان و پخته‌تر شده‌ایم، اما قلبها، احساسات و امیدهای ما جوان‌تر شده‌اند.

نوسازی، نه در گذشته، که در آن عناصر گذشته است که ما نمی‌توانیم و حق نداریم با خود به آینده ببریم. و این، نه به خاطر نوعی ارجح شاری‌ها و تبری جویی‌های ذهنی، بلکه بدین خاطر است که این مواضع و نظایر آن می‌تواند پیشرفت ما را کند سازد، ما را واپس کشد و یادریک کلام جلوی گام نهادن ما به سوی فردا را بگیرد. به بیانی دیگر، نظام کنسازای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ما، که شکل گرفته، نیروی بازدارنده‌ای آنچنانی گرد آورده و تا همین لحظه نیز ظرفیت خود را برای ایجاد سکون به نمایش گذاشته است، هر چه باشد باید از میدان بدرود.

ممکن است پرسشی طرح گردد: آیا بهتر نیست از تعجیل در رخدادها اجتناب کنیم؟ نه، مانند در موضع انفعال و انتظار خونسردانه و بی‌تفاوت، غیر مجاز و غیر منطقی است.

چنین برخوردی به دلایل بسیار مجاز نیست، پیش از همه بدین خاطر که جامعه ما نخستین جامعه‌ای در تاریخ است که به جای سپردن خویش به دست امواج، آگاهانه خود را رشد می‌دهد و پیوندها و روابط درونی خود را تکامل می‌بخشد.

ما هم به لحاظ مادی و هم به لحاظ معنوی بسیار نیرومندتر شده‌ایم. شرایط زندگی، امروز به یمن کوششهای نسلها، به کلی تغییر کرده است. مسائل به ارث رسیده از جامعه کهن، حل شده‌اند. مواضع بین‌المللی ما مستحکم و پرنفوذ، و نیروی دفاعی ما قابل اعتماد است. بدین ترتیب، حاشیه اطمینان لازم فراهم شده و جامعه را قادر ساخته است به سوی کیفیتی نوین پیش رود.

اما همه این دستاوردها به طور خود بخودی و رأساً

آغاز به کار و پیشرفت نخواهد کرد. باید تمرینش کردن این دستاوردها را آموخت، یعنی باید کار کردن، کار کردن خلاق، با به حساب آوردن نه تنها آن چیزهایی که عادت شده است، بلکه همه جوانب نوین که بطور مداوم در زندگی روزمره ظهور می‌کند، را فراگرفت.

علاوه بر این، منتظر قضاوت زمان شدن، در یک کلام، غیر منطقی است. در حقیقت زمان حکم خود را داده و اعلام کرده است. نوسازی به لحاظ تاریخی، ضروری، و بنابر این اجتناب ناپذیر است. شتاب بخشیدن، تنها پاسخی به مسئله چگونگی افزایش ارقام شاخص رشد اقتصادی، علمی و تکنولوژیک نیست، بلکه کاوشی برای یافتن راهها و ابزارهای موثری است که به کمک آن، جامعه سوسیالیستی بتواند در آینده قابل پیش‌بینی در روند ترقی اجتماعی جهانی به تهور هر آنچه پیشرفته و انسانی است و به الگوی ثمربخشی اجتماعی و سعادت معنوی تبدیل شود.

وظایف نوسازی در عرصه آگاهی اجتماعی از پیچیدگی ویژه‌ای برخوردار است. ما باید با پیگیری سطح فعالیت اجتماعی را ارتقا بخشیم و خلاقیت توده‌ها را رشد دهیم، و بدین‌گونه بنیان ایدئولوژیک و تئوریک نوسازی را مستحکم سازیم و گسترش بخشیم. ما باید دائماً در پی یافتن پاسخ به مسائل پیچیده فراوانی باشیم که زندگی مطرح می‌سازد، و مسائل، تنگناها و دشواریها را پیش‌بینی کرده اقدامات لازم را انجام دهیم و بدین‌گونه، به امر نوسازی و روند شتاب بخشیدن یاری رسانیم. این است سمت اصلی کار.

امر دیگری که از اهمیت کمتری برخوردار نیست، غلبه صحیح بر روندها و پدیده‌هایی در عرصه آگاهی است که ثمره عملکردهای دهه‌های گذشته اند و ما سرآشتی با آنها نداریم. گرایشهای منفی، در طول مدتی طولانی و بدون آنکه به مقاومت موثری برخورد کنند، رشد کرده‌اند. در این دوره طولانی که طی آن یک نسل از مردم شکل گرفتند، رشد حرفه‌ای و شخصی مردم تحت تاثیر مخرب سکون، ادامه یافت.

دگماتیسم در میان بیماریهایی که عرصه معنوی و تفکر علمی را هم در رابطه با تاثیر محروم سازنده آن و هم در رابطه با خطری که به علت ماهیت ضد تکامل دگماتیسم، متوجه امر شتاب بخشی می‌سازد، جای ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد.

طرز فکر دگماتیک، ناتوانی و بی‌اعدم تمایل به درک پدیده‌های جهان عینی در کلیت آنها و دریافتن پویایی و تضادهای رشد است. دگماتیسم جهان پیرامون را یک مجموعه خشک، و علم را یک رشته "حقایق" و اندیشه‌های خطاناپذیر تصور می‌کند.

روشن است که دگماتیسم، نه یک تئوری علمی، که موضعی در زندگی است که منافع فردی و گروهی آن را ایجاب می‌کند. جوهر دگماتیسم به مثابه یک پدیده اجتماعی، تاثیری است که تفکر دگماتیک در سازماندهی زندگی معنوی جامعه و بر روندهای پیشرفت آن می‌گذارد. از این دیدگاه، تعریف دگماتیسم بعنوان طرز فکر مستبدانه که به یک اصل

سیاسی، اخلاقی و فکری تبدیل شده است، صحیح است. این کارکرد اجتماعی، کاملاً بر منافع آنهایی که نفعی در رشد ندارند، آنهایی که موقعیت "راحت" و عادی موجود را شخصاً می‌پسندند، و آنهایی که نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند به مقتضیات زمان، به پدیده‌های نوین در زندگی پاسخ دهند، منطبق است. پیش‌شرط تضمین ایدئولوژیک و تئوریک نوسازی، درهم‌شکستن دگماتیسم، این عنصر ماهوی مکانیسم کندسازی روندها در عرصه آگاهی اجتماعی است.

دمکراسی سوسیالیستی، ابزاری موثر در شتاب بخشیدن به سنت‌گیری آگاهی به سوی تحولات انقلابی است. دمکراسی، اگر به حرف محدود نشده، در عمل تحقق یابد، مطمئن‌ترین مکانیزم پرورشی است. هم تجربه اجتماعی و هم اعتماد به انسان، در مردم موضع فعال در زندگی را تقویت می‌کند. چنین امیدواری‌ای، آفریننده احساس مسئولیت، علاقه به مشارکت، ابتکار و پیگیری در دستیابی به اهداف تعیین شده است.

نمونه عرصه فرهنگ و سیاست فرهنگی را بگیریم. می‌توان گفت که در هیچ عرصه‌ای مانند این عرصه، پیشداری‌های دگماتیک نداشته‌ایم. مسائل مربوط به اینکه چه چیز در گفتن، نوشتن و تولید برای سینما و تئاتر، مجاز و چه چیز ممنوع است، با بی‌احساسی بوروکراتیک حل می‌شد. و نتیجه چیست؟ در زندگی واقعی روشن شد که محدودیت‌های مصنوعی و فضای پنهانکاری که این آثار در آن خلق می‌شد، به تحکیم مواضع انحصاری اشخاص، گروه‌بندیها و سبک‌ها به ضرر دیگران می‌انجامد.

خلاقیت هنری، به نیاز اجتماعی خودشناسی و خودارزش‌گذاری خدمت می‌کند. هنر، احساس همدردی، مهربانی و درک روحیات دیگران را ایجاد می‌کند. بازتاب هنری جوهر زندگی روزمره، توانایی فرارفتن از مرزهای آن و ترویج معیارهای گسترده اجتماعی و اخلاقی - این است وظایف هنر اصیل و در عین حال، نشانه‌های آن. رشد اخلاقی، تصفیه معنوی و تکامل فرد و کل جامعه بدون چنین کاری که دشوار و بعضاً توأم با رنج است، نمی‌تواند صورت پذیرد و صورت نمی‌پذیرد.

رواج گسترده برخورد تکنوکراتیک به حل بسیاری از مسائل، از جمله و به ویژه مسائل اجتماعی، از آغاز با کم بهادادن فاحش به نقش و اهمیت علوم اجتماعی پیوند خورده است. این نوع برخورد که ریشه در اکونومیسم مبتدل دارد، هنوز هم ریشه‌کن نشده است. این برخورد، حل مسائل اقتصادی تولیدی و فنی را بعنوان مانعی مستقیم در برابر وظایف اجتماعی درک و تفسیر می‌کند. گاه نظام مدیریت اقتصادی نسبت به نظام مدیریت کل جامعه اولویت می‌یابد.

وظیفه علوم اجتماعی به کلی‌ترین بیان آن، ارائه طرحی جامع و برنامه عمل برای نوسازی نه تنها در هر یک از عرصه‌های آن، بلکه در کل واحد آن و در هم‌پیوندی همه عرصه‌های زندگی جامعه است. به جای تمجید از نوسازی در حرف، نوسازی باید در عمل، بر روی مبنایی زمینی تحقق پذیرد و وارد طرح دراز مدت رشد جامعه شود.

با این حال وظایف علوم اجتماعی به این محدود نمی‌شود. عرصه خدمت آن به جامعه بسیار گسترده‌تر است. علوم اجتماعی باید به گونه‌ای تعیین‌کننده به امر ایجاد و تقویت فضای پویایی فکری یاری رساند.

◀

بقیه از صفحه آخر

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

شوروی را برآورده کرد. برنامه اصلاحات در زمینه مدیریت اقتصاد که در پلنوم به تصویب رسید اهم نیرومندی را برای شتاب بخشیدن به روند فوسازی به وجود می آورد. "در حال حاضر، اتحاد شوروی، جامعه ای در حال تحول سریع، با روحیات و امیدهای نوینی است. این جامعه، به جنبش درآمده، افکار، به کار افتاده، اقدامات عملی، مجدداً تر می شود و روز بروز نتایج محسوس تری به بار می آورد. تصمیمات پلنوم، خط مشی استراتژیک حزب دایر بر تسریع پیشرفت و فوسازی امور اقتصادی را تا حدود زیادی ژرف تر می کنند. این تصمیمات، تنها به شرطی که توده های چندین میلیون زحمتکار را به این روند جلب کنند، موفقیت آمیز خواهند بود. بدین جهت، می توان گفت خط مشی دایر بر فوسازی، در ماهیت امر با خط مشی دایر بر دمکراتیزه کردن همه شئون زندگی، تلفیق می شود."

طرح قانون موسسات دولتی در اتحاد شوروی که پلنوم کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش.، تصویب آن را به عنوان نخستین گام در اصلاح مدیریت اقتصادی پیش بینی کرده است، شامل افزایش اختیارات و مسئولیت موسسات اقتصادی است. طبق این طرح، هر موسسه اقتصادی که سود ندهد، می تواند از سوی ارگان بالاتر، یعنی وزارتخانه مربوطه، تعطیل گردد. این طرح، به معرض اظهار عقیده مردم گذاشته شده است.

توجه استقلال عمل واحدهای تولیدی، خودگردانی گروههای تولیدی و نیز اصلاحات اساسی در زمینه برنامه ریزی و سیستم مالی، اعتباری و قیمت گذاری را منظور داشت.

پلنوم، مقرر داشت که شوزدهمین کنفرانس سراسری ح. ک. ا. ش. در ۲۸ ژوئن ۱۹۸۸ برگزار شود و در آن، نتایج نیمه اول دوره ۵ ساله جاری، ژرفش روند فوسازی و تدابیر ویژه دمکراتیزه کردن پیش از پیش زندگی، مورد بررسی قرار گیرد.

در پلنوم ح. ک. ا. ش. مسائل سازمانی بررسی شد. الکساندر یاکوف، نیکلای اسلیونکف و ویکتور نیکوف به عضویت دفتر سیاسی کمیته مرکزی درآمدند و دیمیتری یاسوف (وزیر دفاع) به عنوان عضو علی البدل دفتر سیاسی برگزیده شد. سرگئی سوکولف (وزیر پیشین دفاع) به علت بازنشستگی از اشخاص و طایف عضو علی البدل دفتر سیاسی معاف گردید. دین محمد کوفایف به علت نارسایی های جدی در زمینه رهبری سازمان حزبی کازاخستان در دوره انجام وظایف دیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست این جمهوری متحده، از کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. اخراج شد.

میخائیل گارباجف در سخنان پایانی پلنوم، ضمن جمع بندی نتایج آن گفت، "پلنوم، امیدهای همه مردم

طرح اصلاحات بنیادی در مدیریت اقتصاد گفت، "ضرورت خارج ساختن اقتصاد از موقعیت آن در اوایل سالهای ۸۰، مستلزم تحولات ژرف و واقعا انقلابی است." وی افزود از لحاظ سیاسی، ماهیت سمت گیری اصلاحات در مدیریت اقتصادی با این فرمول بیان می شود، "سوسیالیسم پیشتر، دمکراسی پیشتر."

میخائیل گارباجف در سخنان خود، اشاره مختصری نیز به فرود آمدن ماتیس روست شهروند آلمان فدرال با هوایی یک موتور ایش در مسکو داشت. گارباجف از این رویداد به عنوان حادثه ای "از هر لحاظ بیمانند" یاد کرد و از سوی دفتر سیاسی و شورای دفاع اتحاد شوروی تصریح نمود، "فه در حزب و فه در میان مردم فهاید نسبت به توانایی نیروهای مسلح در دفاع از کشور، تردیدی وجود داشته باشد."

پلنوم کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. فعالیت دفتر سیاسی را در زمینه فوسازی جامعه تایید کرده، آن را مامور نمود این خط مشی را به سود مردم و تحکیم امر سوسیالیسم ادامه دهد. پلنوم، اصول بنیادی فوسازی مدیریت اقتصادی با هدف گذرا از شیوه های اداری به شیوه های اقتصادی و دمکراتیزه کردن گسترده سیستم مدیریت را مورد تصویب قرار داد. پلنوم در مصوبه خود، گسترش قابل

دبیر کل کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. خواهان "اصلاحات عمیق اقتصادی" شد و افزود از هنگام کنفرانس ۲۷ پلنوم آوریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی، مصوبات این دو مجمع در زمینه اصلاح مدیریت اقتصادی منجر به تغییرات کمی شده اند. گارباجف گفت وزارتخانه ها باید از اداره مستقیم موسسات معاف گردند و تبدیل به مراکز برنامه ریزی شوند، مراکزی که وظیفه آنها، تلاش برای رساندن تولید در اتحاد شوروی به سطح جهانی باشد. رهبر ح. ک. ا. ش. خاطرنشان ساخت، "ما باید دستگاه اداری خود را از سکون و پیچیدگی آزاد سازیم و شمار کارکنان آن را به شدت کاهش دهیم." وی افزود اما در عین حال نقش کمیته دولتی برنامه ریزی (کاسهلان) باید تقویت شود، و این کمیته باید "توازن کل اقتصاد" را تامین نماید. گارباجف بر حفظ نقش رهبری حزب در اقتصاد در شرایط نوین تاکید کرد و گفت وضعیت کنونی، مستلزم تقویت نفوذ ح. ک. ا. ش. در همه عرصه های زندگی جامعه است.

دبیر کل ح. ک. ا. ش. در پلنوم کمیته مرکزی بر ضرورت اصلاحات ریشه ای در سیستم مالی، اعتباری و قیمت گذاری تاکید ورزید. گارباجف پیشنهاد کرد نظام جدیدی از قیمت ها ایجاد شود و به جای تخصیص منابع، موسسات در آینده مواد مورد نیاز خود را از طریق خریدهای عمده تهیه کنند. میخائیل گارباجف در توضیح

شرایط سوسیالیسم باید در این چارچوب مطالعه شود. آنچه ضروری است، تبیین تئوریک قابل اعتماد منافع طبقات، انتشار و گروهمها و راههای ادامه تقویت وحدت ایدئولوژیک و اجتماعی جامعه است. همچنین این سؤال مطرح است که مکانیزم سوسیالیستی انگیزه ها باید چگونه باشد.

زندگی همچنین ما را وادار می سازد که به روندهای خود تحول جهانی نیز بگونه ای نوین برخورد کنیم. ح. ک. ا. ش. از این حکم حرکت می کند که تغییرات در این روندها آنچنان عمیق و همه جانبه اند که مستلزم بازنگری جدی و شناختی همراه با جمع بندی از همه عوامل و گرایشهای نوین خود هستند. ضروری است نگاهی تازه به وضعیت امور جهانی افکنده شود و رشد تحلیل تئوریک از آن بگونه ای قابل توجه تعمیق یابد.

اندیشه و طرز فکر نوین سیاسی، متوجه فوسازی مداوم و برخورد نوین در عرصه اقتصاد، علوم، تکنولوژی، امور اجتماعی و ایدئولوژی چه در داخل و چه در خارج است. جستجوی نو و به حساب آوردن نو به گونه ای که تاثیرات مثبت آن به حد اکثر و لطامات احتمالی آن به حداقل برسد، معیار نقض ناپذیر کار حزب، هم در عرصه تئوری و هم در عرصه پراتیک است.

"نمی تواند خلق الساعه باشد، بلکه از مجموعه تجربه انقلابی و تفکر انقلابی همه کشورهای جهان فرا می رود." اندیشه شتاب بخشیدن، از دریافتن مسائل ریشه ای رشد کشور ما و تعمیم تجربه جهانی فراوید. کار تئوریک همچنین نباید بر امری اساسی نظیر خصلت غیر چر می آگاهی اجتماعی دیده فرو بندد. این خصلت در شرایط متعددی ریشه دارد. جامعه، که بر آگاهی اجتماعی تاثیر می گذارد و از آن تاثیر می گیرد، پیوسته در حرکت و رشد است.

همه جوانب زندگی درونی ما به تفکر تئوریک در سطح کیفی نوینی نیاز دارند. اما دیالکتیک واقعی رشد جامعه در روند فوسازی باید در این میان جای ویژه ای به خود اختصاص دهد. آفرینش خلق تاریخ همچنین مسئله قابل کنترل بودن این روند، از جمله ضرورت ایجاد یک نظام باز تغذیه موثر در جامعه را مطرح می سازد. تا امروز این روابط به گونه ای بسیار خود بخودی عمل کرده اند. و لطاماتی که در این روند پیش می آید، چه لطامات مادی و چه انسانی که اهمیتش بیشتر است، قابل توجهند.

لازم است که راهها، شیوه ها و ابزارهای شکل دادن فعال به خواستهای انتشار گوناگون جامعه و شیوه زندگی سوسیالیستی به مثابه کل، مورد مطالعه دقیق قرار گیرد. ریشه ها و ماهیت همه انحرا فات مختلف در

در اساس، آنچه در کارکرد سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک ضروری است، رشد ملموس برخورد تئوریک در کل طیف علوم مربوط به جامعه و انسان است. آیا ما دارای پیش شرطهای عینی بدین منظور هستیم؟ آری. این پیش شرطها از حد اهمیت صرفا پراگماتیک و مصلحت چویانه فراتر می رود. دلایل بسیاری برای این فرض وجود دارد که ما در آغاز مرحله ای کیفیتاً نوین از پراتیک و تئوری سوسیالیسم قرار داریم.

حزب، در دوره آوریل ۱۹۸۵ تا ژانویه ۱۹۸۷ که به لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی بسیار پربار و شمر بخش بود، خدمت عظیمی به تئوری مارکسیسم - لنینیسم کرد. کنفرانس ۲۷ حزب، هم نتیجه بود و هم آغاز. این کنفرانس، نتیجه جستجو ها، تحلیل ها، اندیشیدن ها و رهگشایی ها در عرصه های تعیین کننده تئوری و پراتیک، در عرصه های تعیین کننده سوسیالیسم علمی بود. این کنفرانس، نگرشی جدید به سوسیالیسم و به راهها و چشم اندازهای پیشرفت آن است، تعمیمی نوین در تحلیل جهان زمان ما است.

لنین به ما می آموزد که یک تئوری انقلابی

کره جنوبی: سرنگون باد دیکتاتوری!

علیرغم کمک ۲/۵ میلیارد دلاری آمریکا نتوانست اقتصاد کره جنوبی را رونق بخشد. در آغاز دهه ۶۰، ۲۵ درصد جمعیت قادر به کار در کره جنوبی بیکار بودند. درآمد سرانه کمتر از ۱۰۰ دلار در سال بود. به ویژه دهقانان از فقر مطلق و گرسنگی رنج می بردند. اعتراضات توده ای، به ویژه در میان کارگران و دانشجویان، به سرنگونی دولت ری و روی کار آمدن دولت چانگ میون انجامید. این دولت، به خواست جنبش توده ای مبنی بر تصفیه پلیس و دستگاه اداری گردن نهاد. اما طرح چانگ برای کاستن ۱۰۰ هزار نفر از ارتش ۶۰۰ هزار نفری کره جنوبی، با مقاومت شدید نظامیان و نیز دولت آمریکا مواجه شد. در ماه ۱۹۶۱، ژنرال پارک چونگ می پایک کودتای نظامی قدرت را در دست گرفت. واشنگتن ترجیح داد زمام امور را به نظامیانی بسپارد که در طول سالها، آنان را بصورت نزدیکترین متحدان خود در آورده بود.

دیکتاتوری پارک، دروازه های کره جنوبی را به روی سرمایه گذاران آمریکایی و سپس ژاپنی، گشود. انحصارات ژاپنی، از سال ۱۹۶۵ بدون پرداخت عوارض قابل توجهی، به سرمایه گذاری در کره جنوبی پرداختند. بخشهای صنعتی دارای سطح پایینی از تکنولوژی و نیز ظرفیت های تولیدی مازاد، به کره جنوبی انتقال یافت. صنایع مونتاژ تولیدات ژاپنی، در کره جنوبی تاسیس گردید. در سال ۱۹۶۹، قانونی به تصویب رسید که به موجب آن، صنایعی که با شرکت سرمایه خارجی تاسیس می شد، "موسسات عام المنفعه" اعلام گردید. در این کارخانجات، اعتصاب به کلی ممنوع اعلام شد. دستمزد کارگران کره ای، بطور متوسط یک هفتم تا یک هشتم دستمزد کارگران ژاپنی بود و بنابر این، سرمایه گذاری در کره جنوبی برای انحصارات ژاپن سود سرشاری در برداشت. انحصارات آمریکایی و ژاپنی، در عین کسب سودهای کلان، کنترل اکثریت سهام صنایع کود شیمیایی، نساجی، تغذیه و سیمان را در دست گرفتند. اکثریت سهام شرکتهای فولاد، کشتی سازی و پالایش نفت در اختیار ژاپنی ها قرار گرفت.

مه ۱۹۴۸ برگزار شد. به موجب قانون، تنها افراد "تحصیل کرده" حق شرکت در این "انتخابات" را داشتند! کره "ری" از این نمایش به عنوان "برنده" بیرون آمد و تشکیل "جمهوری کره" با ادعای نمایندگی سراسر کره را اعلام نمود.

جنگ خونین

در سال ۱۹۵۰، حکومت "ری" در جنوب با بحرانی وخیم مواجه گردید. گرسنگی و فقر، سراسر جنوب را فراگرفته بود. مبارزات دهقانی گسترش می یافت. نفوذ معنوی و سیاسی جمهوری دمکراتیک توده ای کره پیوسته رو به افزایش بود. از سوی دیگر، امپریالیسم آمریکا از تکرار تجربه چین در کره، هراس داشت. واشنگتن، اولین تجربه ملموس مشی جنگ سرد را با آغاز یک جنگ "گرم" به نمایش گذاشت. در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰، تجاوز چنایکتارانه امپریالیسم آمریکا به جمهوری دمکراتیک توده ای کره آغاز گشت.

جنگ کره ۳ سال به طول انجامید. این جنگ، به تجربه کره مبر قطعیت کوبید و برای مردم کره، ویرانی های عظیم و گسترده، بیش از دو میلیون کشته و میلیونها آواره بر جای گذاشت. در واکنش نسبت به تجربه جنوب کره، در سپتامبر ۱۹۴۸ جمهوری دمکراتیک توده ای کره در پیونگ یانگ اعلام موجودیت کرد. در ژوئن ۱۹۴۹، احزاب کارگری شمال و جنوب مدار ۲۸ درجه (مرز شمال و جنوب) وحدت کردند و سپس، نیروهای ملی و دمکراتیک سراسر کشور، "جبهه واحد برای احیای وحدت میهن" را تشکیل دادند. در سال ۱۹۴۸، نیروهای اتحاد شوروی خاک کره را ترک کردند. در مقابل، حضور مستقیم نیروهای اشغالگر آمریکایی در جنوب تا سال ۱۹۴۹ ادامه یافت، و پس از آن نیز فرما شدی واحدهای پلیس و ارتش کره جنوبی همچنان با ارتش آمریکا بود. این نیروها در پی گسترش مبارزات دهقانی و چریکی در جنوب از اواخر ۱۹۴۸، دست به سرکوب خونین این مبارزات زدند.

دیکتاتوری نظامی

حکومت ری پس از جنگ کره

مزمزمان گردید. کمیته های مزرور از مبارزه دهها ساله علیه اشغال ژاپن (۱۹۱۰ - ۴۵) فراروییده و اتحاد گسترده ای از کمونیستها، محافظه کاران و ناسیونالیستها را در صفوف خود، متشکل کرده بودند. اما نیروی اشغالگر آمریکایی در جنوب، این دولت قانونی را به رسمیت نشناخت. در دهم اکتبر ۱۹۴۵، یک ماه پس از اعلام جمهوری توده ای کره و پیاده شدن لشکر هفتم پیاده آمریکا در ساخل غربی کره، "حکومت نظامی ارتش آمریکا در کره" خود را یگانه دولت قانونی این کشور اعلام کرد. حتی یک نفر از مسئولان این حکومت نظامی بازبان کره ای آشنان بود!

حکومت نظامی آمریکا، دولت جمهوری توده ای کره را "غیرقانونی" اعلام کرد و در اواسط فوریه ۱۹۴۶، "شورای پارلمانی دمکراتیک" به ریاست سینگمان ری را تشکیل داد. ری که در زمان جنگ در آمریکا ریاست "کمیسون کره" دولت واشنگتن را برعهده داشت، توانست با حمایت ارتش آمریکا ظرف مدت کوتاهی زمینداران بزرگ، سرمایه داران و بوروکراتها را که در هنگام سلطه استعماری ژاپن با اشغالگران همکاری کردند، تحت رهبری خود درآورد. پلیس کره نیز که توسط ژاپنی ها تعلیم دیده بود، دست نخورده در اختیار حکومت دست نشانده جدید قرار گرفت. در جنوب، حاکمیت ملاکان و سرمایه داران بزرگ حفظ و تثبیت گردید. اما در شمال کره، کمیته های مردمی که ارگانه های محلی حکومت جمهوری توده ای کره بودند، به فعالیت خود ادامه دادند. در بهار ۱۹۴۶ در شمال کره، نخستین مرحله اصلاحات ارضی با تقسیم زمین میان ۷۰۰ هزار دهقان انجام گرفت.

امپریالیسم آمریکا که در آغاز تشکیل سازمان ملل، اکثریت آرای دولتهای تشکیل دهنده این سازمان را پشت سر خود داشت، در نوامبر ۱۹۴۷ طرحی را از مجمع عمومی سازمان ملل گذراند که به موجب آن می بایست انتخابات عمومی در کره، تحت نظارت نمایندگان این سازمان برگزار می شد. نمایندگان سازمان ملل، همگی پشتیبان دارودسته "ری" بودند. از این رو، اتحاد شوروی اجازه ورود آنها را به شمال کره نداد. "انتخابات" جنوب کره در ماه

کره جنوبی را موج بهسابقه ای از تظاهرات و اعتراضات علیه رژیم دیکتاتوری ژنرال چون دوهوان فراگرفته است. دور جدید از مبارزات مردم علیه رژیم آمریکایی سلول، سه هفته پیش آغاز شد. در آن هنگام، کنگره حزب حکومتی "عدالت"، روتائه وورهر این حزب را نامزد احراز مقام ریاست جمهوری برای دوره پس از کناره گیری چون دوهوان نمود. رژیم، قصد دارد تا پایان سال ۱۹۸۷، ریاست جمهوری روتائه وو را از تایید یک مجلس "خبرگان" بگذراند و بدین ترتیب، عمر دیکتاتوری را باز هم طولانی تر کند. اما اکثریت عظیم مردم کره جنوبی، مخالف این طرح ضد مردمی هستند. شعار تغییر قانون اساسی، به گونه ای که رئیس جمهور، مستقیماً در جریان انتخابات عمومی و آزاد، برگزیده شود، گسترده ترین طیف از نیروهای مخالف رژیم چون دوهوان را متحد کرده است. در مقابل، رژیم دیکتاتوری که می خواهد از برگزاری المپیک ۱۹۸۸ در سلول برای کسب وجهه بین المللی سوء استفاده کند، اعلام کرده است مباحثات پیرامون تغییر قانون اساسی تا برگزاری این بازیها به تعویق می افتد! گسترش دامنه مبارزات ضد دیکتاتوری، اکنون انجام بازیهای المپیک در سلول را به زیر علامت سوال برده است.

کره جنوبی، پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا در خاور دور و در مسابکی مستقیم اردوگاه سوسیالیسم است. امپریالیسم می خواهد به هر قیمتی که شده، این پایگاه را حفظ کند. بدین منظور، واشنگتن امکانات کوناگونی را، از کمک به حقوق تحکیم رژیم کنونی گرفته تا بندوبست با شایندگان سازشکار ایوژیسیون بورژوازی، مورد بررسی و آزمایش قرار می دهد.

رد پای امپریالیسم آمریکا

پیشینه سیاست مداخله جویانه امپریالیسم آمریکا در کره، به ۱۹۴۵ باز می گردد. در آن هنگام، ایالات متحده که از جنگ جهانی دوم به مثابه سردمدار امپریالیسم جهانی بیرون آمده بود، سیاست "به عقب راندن کمونیسم" و جنگ سرد را در پیش گرفت. طبق توافق قبلی میان متفقین، اتحاد شوروی و آمریکا به منظور خلع سلاح ارتش ژاپن، کره را اشغال کردند. این امر، با اعلام تشکیل دولت جمهوری توده ای کره در سلول از سوی نمایندگان کمیته های مردمی،

تبدیل کره جنوبی به نیول امپریالیسم آمریکا و ژاپن، به "بین‌المللی شدن" اقتصاد کره جنوبی، یعنی ادغام کامل آن در تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری انجامید. در فاصله ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵، صادرات کره جنوبی از ۲۲ میلیون به ۵/۴ میلیارد دلار افزایش یافت. رشد متوسط سالانه درآمد ناخالص ملی، در دهه ۶۰ به ۸/۷ و در دهه ۷۰ به ۸/۱ درصد رسید. اما این رشد، به بهای انطباق کامل اقتصاد بر نیازهای سرمایه خارجی، موقعیت ناپرابر در تقسیم کار اقتصادی و تبدیل کره جنوبی به زائده‌ای از اقتصاد امپریالیستی تمام شده است.

دیکتاتوری نظامی، از هنگام روی کار آمدن در سال ۱۹۶۱، "محیط امن و آرام" را برای غارت انحصارات امپریالیستی به وجود آورد. پارک چونگ‌هی در سال ۱۹۷۱، بدنبال اعتراضات توده‌ای علیه سطح پایین دستمزدها و ۶۰ ساعت کار در هفته، اعلام "وضعیت فوق‌العاده" و در سال ۱۹۷۲ اعلام حکومت نظامی نمود.

پیشنادهای متعدد جمهوری دمکراتیک توده‌ای کره برای احیای وحدت کشور، از سوی دیکتاتوری نظامی در جنوب رد شد. دولت کره جنوبی، که اساس تشکیل آن را کمونیسم سبزی تشکیل می‌دهد،

"کمونیستهای شمال" را دشمن اصلی خود اعلام کرده و نه تنها حاضر به هیچگونه مذاکره نیست، بلکه با طرح افسانه "تهدید از شمال"، تقویت مداوم نیروی نظامی خود را که در وهله اول در خدمت سرکوب مردم کره جنوبی است، توجیه می‌کند.

حماسه کوانگ چو

رشد اقتصادی در سالهای حکومت نظامی، همراه با افزایش هنگفت قروض خارجی گردید. (تا پایان سال ۱۹۸۶، بدهی‌های خارجی سول به ۵۰ میلیارد دلار بالغ شد.) دولت کره جنوبی برای بازپرداخت این قروض، به سیاست افزایش بازهم بیشتر صادرات روی آورد. همه چیز در اقتصاد کره جنوبی تابع اصل "افزایش صادرات" گردید. در نتیجه، میان ارقام شاخص رشد و توزیع، فاصله هر چه بیشتر شد. وابستگی کره جنوبی به نوسانات بازار جهانی افزایش یافت. توزیع درآمدها، نامتعادل تر و تورم و بیکاری، به‌لجام گسیخته‌تر گردید. خود حکومت نظامی و سرکوب آزادیهای دمکراتیک نیز، بخشهای هر چه وسیعتری از مردم را به صف مخالفان رژیم سوق داد. نیروهای پروروازی لیبرال و اقشار متوسط، هر چه بیشتر تحت رهبری کیم‌دای چونگ و کیم یونگ‌سام، در شخصیت اپوزیسیون،

متکثر شدند و خواهان "دمکراتیزه کردن کره جنوبی" گردیدند. در اکتبر ۱۹۷۹، بازتاب رشد جنبش اعتراضی در هیات حاکمه به‌صورت جنگ قدرت حاد بروز کرد. پارک چونگ‌هی توسط رئیس سرویس جاسوسی رژیم خود به قتل رسید. پس از دو ماه کشمکش، ژنرال چون دوهوان توانست قدرت را در دست خود متمرکز کند.

اندکی بعد، کوانگ چوپایتخت استان چولانامدو که از سالها پیش به علت تبعیض اجتماعی و سرکوب سیاسی از مراکز عمده مخالفت با رژیم بود، به صحنه قیام توده‌ای علیه رژیم دیکتاتوری تبدیل شد. نیروهای ویژه ارتش کره جنوبی، برای سرکوب این قیام اعزام گردیدند و ۲ هزار تن را به قتل رساندند.

حماسه پایداری دلیرانه مردم کوانگ چو در برابر نیروهای سرکوبگر، نقطه عطفی در تاریخ کره جنوبی محسوب می‌شود. با واقعه کوانگ چو، بنای ایدئولوژیک حکومت دیکتاتوری نظامی سول ترک برداشت. مردم به چشم خود دیدند که "تهدید شمال" افسانه‌ای پوچ پیش نیست. این، سربازان چلوپ بودند که به روی آنها آتش کشودند. این، ژنرال ویکهام فرمانده نیروی ۴۰ هزار نفری آمریکا در کره جنوبی بود که عملیات خونین کوانگ چو را

هماهنگ کرد. از کوانگ چو به بعد، مبارزه مردم برای دمکراسی با مبارزه برای خروج نیروهای آمریکایی پیوند نزدیکی یافته است.

"دمکراتیزه کردن" به سبک آمریکایی؟

امپریالیسم آمریکا در سالهای اخیر، نسبت به روند رشد گرایشهای ضدآمریکایی در اپوزیسیون کره جنوبی، واکنش نشان داده است. برخی محافل هیات حاکمه واشنگتن، علاقه‌مند به تکرار تجربه فیلیپین در کره جنوبی هستند و در نظام پارلمانی پروروازی، تضمین بهتری برای ادامه حضور نظامی آمریکا و وابستگی سیاسی - اقتصادی کره جنوبی به امپریالیسم می‌بینند. اما در کره جنوبی نیز، امپریالیسم مانند فیلیپین دست خود را بازگذاشته است. بدیهی است ایالات متحده ترجیح می‌دهد - تا هر چا مقدور باشد - دیکتاتوری نظامی در کره جنوبی را که نزدیک به ۴۰ سال حافظ منافعت بوده است، پا برجا نگه دارد. اما واشنگتن در عین حال از این شرکان است که با پافشاری در حمایت از دیکتاتوری، نیروهای رادیکال و ضدامپریالیست در اپوزیسیون کره جنوبی تقویت شوند. از این رو، ایالات متحده به موازات ادامه بقیه در صفحه ۱۵

دیکتاتوری سول...

بقیه از صفحه اول

در شماره پیشین "اکثریت" گزارش دادیم که روزنامه‌های کره جنوبی، به احتمال اعلام حکومت نظامی در این کشور اشاره داشتند. در روز جمعه ۱۹ ژوئن، دولت کره جنوبی طی یک جلسه کابینه تصمیم گرفت در صورت گسترش اعتراضات توده‌ای، مقررات فوق‌العاده و یا حکومت نظامی اعلام کند. در همان روز، ریکان رئیس جمهور آمریکا از شاترآمی در کره جنوبی ایپاژ "منکراسی" کرد و طی نامه‌ای به چون دوهوان خواهان اُسرگیری مذاکرات دیکتاتور با اپوزیسیون پروروازی شد. بدنبال آن، کاستون سیکور، مسئول بخش آسیای وزارت خارجه آمریکا، وارد سول گردید. پیش از وی، اداوارد درولنسکی یک‌مقام دیگر وزارت خارجه ایالات متحده به سول رفته بود.

در روزهای شنبه ۲۰ و یکشنبه ۲۱ ژوئن علیرغم تهدید اعلام حکومت نظامی از سوی رژیم، تظاهرات مردم قطع نشد. در شهر پوسان ۲۰ هزار نفر به خیابانها آمده و خواهان برکناری چون دوهوان و انجام انتخابات آزاد ریاست جمهوری گردیدند. در این شهر نیز مانند سایر شهرها میان مردم و پلیس زدوخورد های شدیدی روی داد.

در روز دوشنبه ۲۲ ژوئن، چون دوهوان اعلام

انجام این تظاهرات، پنجشنبه شب و روز جمعه صدها تن را دستگیر کرده بود.

در جریان زدوخورد های پنج ساعته مردم با پلیس که تا پاسی از جمعه شب ادامه یافت، به گفته شاهدان عینی صدها تن دیگر بازداشت شدند. به گزارش خبرگزاری ها، در همین روز در نزدیک به ۲۰ شهر کره جنوبی تظاهرات مشابهی برگزار شد. در پوسان، ۱۰ هزار تن و در کوانگ چو ۲۰ هزار نفر در حزب "دمکراسی و احیای وحدت" تظاهرات صدها هزار نفری روز جمعه را موفقیت آمیز خواند.

کیم دای چونگ رهبر "غیررسمی" اپوزیسیون پروروازی (وی به دستور دولت حق مشارکت مستقیم در فعالیت های حزبی را ندارد) پیش از آنکه دوباره تحت بازداشت قرار گیرد، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت اگر رژیم، "گام‌هایی به سوی دمکراتیزه کردن" برندارد، در آینده نزدیک در کره جنوبی نیز تحولاتی مانند آنچه در اوایل ۱۹۸۶ به سرنگونی مارکوس دیکتاتور فیلیپین انجامید، امکان پذیر است.

کاستون سیکور فرستاده دولت آمریکا در پاپیان دیدار دو روزه اش از سول گفت "امیدوار" است که در سول "راههایی برای حل بحران" پیدا شود. وی افزود در ملاقات با چون دوهوان مواضع واشنگتن در مورد رویدادهای جاری کره جنوبی را به اطلاع او رسانده است.

کرد حاضر به مذاکره با کیم یونگ سام، رهبر حزب مخالف "دمکراسی و احیای وحدت" است. روتائه وو که از سوی چون دوهوان نامزد جانشینی او شده است، ضمن ارائه پیشنهاد ملاقات با کیم یونگ سام، به چون دوهوان توصیه نمود مذاکرات با اپوزیسیون برای اصلاح قانون اساسی از سر گرفته شود و در صورت عدم حصول توافق تا ماه سپتامبر، سرفروش کشور پس از المپیک ۱۹۸۸، به همه پرسی گذاشته شود.

در روز چهارشنبه ۲۴ ژوئن، کیم یونگ سام با چون دوهوان ملاقات کرد. دیکتاتور در این ملاقات به کیم پیشنهاد کرد گفتگوها پیرامون قانون اساسی دوباره آغاز شود. کیم، این پیشنهاد را رد کرد و خواهان برگزاری فوری یک همه پرسی درباره چگونگی انتخاب رئیس جمهور گردید. چون دوهوان با این خواست مخالفت نمود و مذاکرات به بن‌بست رسید. لغو بازداشت کیم دای چونگ یک رهبر دیگر اپوزیسیون، که در خانه خود در سول تحت نظر بود، تنها دو روز دوام یافت. وی در روز جمعه ۲۶ ژوئن بار دیگر در خانه خود تحت بازداشت قرار گرفت.

به دعوت جبهه مخالف "ائتلاف ملی برای قانون اساسی دمکراتیک" در روز جمعه ۲۶ ژوئن، علیرغم اعلام ممنوعیت تظاهرات، دهها هزار تن از مردم سول دست به اعتراض خیابانی زدند. در حالیکه ۲۰ هزار پلیس ضد شورش برای مقابله با مردم به صحنه آمده بودند، چندین برابر این تعداد، در تظاهرات شرکت کردند. رژیم برای جلوگیری از

نگاهی به مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه

سرمایه داران ترک، صیادان طلا

بقیه از صفحه ۱۶

که دیدگاه سرمایه داران ترکیه نسبت به مناسبات با جمهوری اسلامی را شمایس می داد. در این کاریکاتور چنین تصویر شده که اوزال در هیئت یکی از فرماندهان امپراطوری عثمانی همراه با لشکریان خود، چمکی سوار بر اسب و شمیر از نیام بر کشیده از هوا بیما خارج شده و به سوی ایران در تاخت و تاز هستند. یک سال پس از آن تاریخ - سفر اوزال به تهران - حجم و سطح مناسبات اقتصادی دو کشور و "عهدنامه های" منعقد شده آشکار ساختند که "فاتحان امپراطوری عثمانی" در این لشکرکشی چه غنائم هنگفتی به چنگ آورده اند.

ترکیه

فاتح جنگ ایران و عراق

تاکنون بنا بر همه شواهد و آمارها، سرمایه داران ترکیه توانسته اند در جنگ ایران و عراق پیروز شوند! ترکیه در سالهای اخیر نسبت به جنگ ایران و عراق سیاست بی طرفی را دنبال نکرد، بلکه جانب هر دو را گرفت. سرمایه داران و ژنرالهای ترکیه در تمامی این سالها نه تنها روابط خود را با جمهوری اسلامی تقویت کردند، بلکه همچنین مناسبات خود را با عراق نیز گسترش دادند و بر این بستر سودهای هنگفتی به جیب زدند. ترکیه امروز پس از ژاپن و آلمان فدرال بیشترین نقش را در بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی برعهده دارد. بهزاد فبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در گفتگویی با روزنامه کیهان ۲۱ خرداد به گوشه هایی از این مناسبات اشاره کرده است. می توان این مناسبات را بسته به ویژگی های آن به بخش های زیر تقسیم نمود:

۱- صادرات کالاهای غیر نفتی به ترکیه

علیرغم تصویر سازی های خیال پردانه سران جمهوری اسلامی در هنگام تقلیم پروتکل های اقتصادی با ترکیه در خصوص صادرات کالاهای غیر نفتی، اساس صادرات جمهوری اسلامی به ترکیه را صادرات نفت تشکیل می دهد و صادرات کالاهای غیر نفتی از نقش چندانی برخوردار نیست. پروتکل های اقتصادی منعقد شده بین طرفین بیشتر بازنمایگر روابط و آرزوهای جمهوری اسلامی مبنی بر

افزایش صادرات غیر نفتی است. در پروتکل اقتصادی سال ۸۶، میزان صادرات کالاهای غیر نفتی جمهوری اسلامی به ترکیه ۵۰۰ میلیون دلار در نظر گرفته شده بود. بهزاد فبوی در باره فضای حاکم بر جلسه مذاکره حول صادرات کالاهای غیر نفتی رژیم به ترکیه در سال ۸۶، چنین عنوان کرده است: "آنها هجوم آوردند برای خرید، مفتی نه آنها بازار ما را می شناختند و نه ما بازار خودمان را می شناختیم. آنها تند تند پیشنهاد کردند و ما هم از خدا خواسته چون کلی صادر کننده با خودمان برده بودیم، تند تند پذیرفتیم. لذا حجم صورت جلساتی که برای ما آوردند و توافقاتی که در زمینه صادرات کالاهای غیر نفتی به ترکیه - بهود رسید به سقف ۶۰۰ میلیون دلار، روز آخر فکر کردم این ۶۰۰ میلیون دلار رقم بالایی است. گفتیم تجدید نظر کنند و ۱۰۰ میلیون دلار آن حریف شد و رسید به ۵۰۰ میلیون دلار."

۲- صادرات نفت به ترکیه

در سال ۸۵ جمهوری اسلامی معادل ۱/۲ میلیارد دلار نفت به ترکیه صادر نمود. ترکیه با احداث چند واحد پتروشیمی، بخش قابل ملاحظه ای از نفت وارداتی خود را در قالب دیگر فراورده های نفتی به کشورهای دیگر و از جمله جمهوری اسلامی صادر کرد. اما در سال ۸۶ سرمایه داران ترکیه اعلام کردند حاضر به خرید نفت به شکل سابق نیستند و خواهان تخفیفهای بیشتری شدند. جمهوری اسلامی برای دریافت ارز چوب حراج بر منابع نفتی کشور زده است و حتی برخی از مسئولین رژیم - نجف آبادی رئیس کمیسیون برشامه و بودجه مجلس - نیز صریحا اعلام کرده اند که حاضر به قائل شدن تخفیف در بهای نفت صادراتی می باشند. ولی در جریان مذاکرات سال ۸۶، سرمایه داران ترکیه به تخفیفهای معمول قناعت نکردند. فبوی در مصاحبه خود گفت: "طرف ترک اصرار به تخفیفهای زیاد در قسمت نفت داشت." نتیجه اصرار ویژه سرمایه داران ترکیه به تخفیف زیاد و به موازات آن کاهش بهای نفت در بازارهای جهان، باعث آن شد که کل صادرات نفت جمهوری اسلامی به ترکیه از ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۸۵ به ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۸۶ کاهش یابد. در پروتکل جدید

اقتصادی، صادرات نفت جمهوری اسلامی به ترکیه برای سال ۸۷ حدود یک میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. البته باید افزود که فبوی درباره سر نوشت "اصرار طرف ترک بر تخفیفهای زیاد" در سال جاری سکوت کرده است.

۳- صادرات ترکیه به جمهوری اسلامی

سود هنگفت سرمایه داران ترکیه محدود به واردات کالا از جمهوری اسلامی نمی شود، بلکه صادرات کالا به جمهوری اسلامی نیز برای سرمایه داران ترکیه فوق العاده برحلاوت است. کالاهای صادراتی ترکیه به جمهوری اسلامی را می توان به دو دسته تقسیم کرد. کالاهای ساخت ترکیه و کالاهای ساخت کشورهای امپریالیستی. برخی از موسسات بازرگانی ترکیه و از جمله شرکت صادراتی آفادولو (آفادولو اکسپورت) با وارد کردن کالاهای کشورهای امپریالیستی و دریافت ۱۵ درصد سود اقدام به صادر کردن این کالاها به جمهوری اسلامی می نمایند. سرمایه داران ترکیه نیز کالاهای داخلی این کشور را بهایی بیش از نرخ رسمی (بین المللی) به جمهوری می فروشند. فبوی در مصاحبه خود با اعتراف به این موضوع، کوشید نزدیکی فاصله جغرافیایی و عدم مشکل ترانزیت بندر و کشتی و کامیون را علل خرید گران تر از ترکیه معرفی کند. وی گفت: "کمی فاصله باعث شده کمی گرانتر از قیمت های بین المللی پول بدهیم." فولاد، فراورده های نفتی، کالاهای کشاورزی و مصرفی، لوازم یدکی و قطعات ماشین آلات، عمده واردات جمهوری اسلامی از ترکیه را تشکیل می دهند. جمهوری اسلامی اصلی ترین مشتری برخی از موسسات تولیدی ترکیه به حساب می آید. بعنوان نمونه ۵۰ تا ۷۰ درصد کالاهای صادراتی شرکت "بروسان" را جمهوری اسلامی بکجا خریداری می کند.

در فست اخیر سران جمهوری اسلامی با مقامات رسمی ترکیه، مباحث دیگری پیرامون طرح تولید مشترک کالا، مشارکت در صادرات به کشورهای ثالث، پروژه احداث خط لوله گاز به ترکیه، تجدید نظر در تعرفه های گمرکی در چارچوب پیمان عمران منطقه ای بین سه کشور جمهوری اسلامی، ترکیه و پاکستان و... مطرح شده است. آنچه درباره تمام مناسبات جمهوری اسلامی و ترکیه می توان گفت این است که سرمایه داران و ژنرال های ترکیه چون صیادان ماهری از وخامت اقتصادی حاکم بر کشور، طلا صید می کنند.

بزرگترین اعتراضات ۲۰ سال اخیر در اسرائیل و مناطق اشغالی

علیرغم تهدیدات مقامات دولتی و سرمایه‌داران، در روز چهارشنبه ۲۴ ژوئن، ۱۴ هزار کارگر و کارمند فلسطینی که در موسسات تولیدی و خدماتی شهرهای یهودی‌نشین اسرائیل کار می‌کنند، علیه تبعیضات علیه مردم عرب در عرصه‌های مختلف زندگی دست به اعتصاب زدند. در پیش از ۱۰ شهر و روستای محل زندگی فلسطینی‌ها شیو ادارات، فروشگاه‌ها، کارخانجات، کارگاه‌ها و مدارس تعطیل شد. بسیاری از کارگران یهودی با اعتصاب ابراز همبستگی کردند.

مبتکر اعتصاب، مجمع فراگیری از احزاب و سازمانهای فعال در میان مردم عرب، وخواست اصلی اعتصاب، برابری کامل شهروندان عرب و یهودی و قطع اقدامات تبعیض‌آمیز مقامات اسرائیلی بود. در نتیجه اعمال این تبعیض‌ها، از جمله در توزیع

بودجه دولتی، رقم بیکاری که بطور متوسط ۶/۸ درصد است، در میان اعراب به بیش از ۲۰ درصد بالغ می‌شود.

در روز چهارشنبه همچنین صدها هزار ساکن کرانه غربی اشغالی رود اردن و شوارغزه در اقدامات اعتراضی علیه اشغالگران شرکت کردند. خبرگزاری‌ها، این اعتراضات را بزرگترین اقدامات اعتراض‌آمیز در این مناطق از هنگام اشغال آن در سال ۱۹۶۷ تا کنون خوانده‌اند. در مناطق اشغالی موسسات، ادارات و مدارس تعطیل شد. فروشگاه‌ها در این روز بسته بودند. تظاهرات در بیت المقدس شرقی، نابلس، مهران، یفین، غزه و چند شهر دیگر، به گردهمایی‌های پرشکوهی علیه سیاست تل‌آویو تبدیل شد. مقامات اسرائیلی برای مقابله با این اعتراضات حضور ارتش در مناطق اشغالی را تقویت کرده بودند.

آغاز مجدد اعتصابات در ایتالیا

بدنحال و قهقارای در رابطه با انتخابات پارلمانی، در روز سه‌شنبه ۲۲ ژوئن اعتصابات در ایتالیا از سر گرفته شد.

در این روز بخش بزرگی از کارکنان راه‌آهن ایتالیا در مهمترین ایستگاه‌های این کشور برای ۲۴ ساعت دست از کار کشیدند. قرار است لوکوموتیورهای ۶ ژوئیه تا ۵ اوت به مدت یک ماه، هر روز دو ساعت در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزدها دست از کار بکشند. در روزهای پنجشنبه ۲۵ و جمعه ۲۶ ژوئن، خلبانان چند ساعت دست به اعتصاب زدند. کارکنان هواپیمایی قصد دارند از آغاز ماه ژوئیه تا آغاز ماه اوت، هر روز دست به اقدامات اعتراضی علیه قراردادهای موجود دست‌نزد بزنند. کارکنان کشتی رانی نیز هر روز چهار ساعت اعتصاب خواهند کرد.

اخبار کوتاه

● ادوارد شورندادزه و چرچ شولتز وزیر خارجه شوروی و آمریکا واسطه‌ماه ژوئیه در واشنگتن دیدار و پیرامون مذاکرات خلع سلاح میان دو کشور گفتگو خواهند کرد. مذاکرات در تدارک انعقاد قراردادی در سال جاری برای محو سلاح‌های میان‌برد در اروپا صورت خواهد گرفت.

● فاروق قدومی رئیس بخش سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین از مسکو دیدار کرد. وی در گفتگو با مقامات شوروی، با آنها به مذاکره پیرامون اوضاع جاری در خاور میانه پرداخت. طرفین خواهان گسترش مناسبات اتحاد شوروی و ساف شدند.

● در شماره گذشته نش به‌خبر از نودتادر امیرنشین شارجه (عشو امارات متحده عربی) دادیم. بدنحال کشمکی که پس از اعلام برکناری شیخ سلطان بن محمد القاسمی امیر شارجه از سوی برادرش شیخ عبدالعزیز در گرفت، طرفین توافق کردند که شیخ سلطان همچنان امیر شارجه باقی بماند. شیخ عبدالعزیز، که به گزارش خبرگزاری امارات متحده عربی با تصمیم شورای عالی امارات در مورد ابقای شیخ سلطان موافقت کرد، از سوی هفت امیر این شیخ‌نشین‌ها به ست ولیعهد و معاون برادرش منصوب شد.

سرنوشتی دوهواپیمای مسافربری توسط اشرا افغانی

ضد هواپی فوق‌مردن استنفکر انجام دادند که سال گذشته از سوی دولت آمریکا در اختیار آنها قرار گرفته بود.

روژنامه انگلیسی ایندپندنت فاش ساخت بریتانیا و ایالات متحده در تحویل موشک‌های زمین به هوا به ضد انقلابیون افغانی، همکاری کرده‌اند. این موشک‌ها دارای برد چندین کیلومتر و ساخته یک کارخانه در ایرلند شمالی است. سازمانهای جاسوسی آمریکا و بریتانیا ۲۰۰ عدد موشک از این نوع در اختیار اشرا افغانی قرار داده‌اند.

در روز ۲۱ خرداد یک هواپیمای مسافربری با ۵۵ سرنشین و در رودوم تیرماه یک هواپیمای دیگر مسافری با ۴۲ سرنشین در افغانستان هدف موشک ضد انقلابیون قرار گرفته و سقوط کرد. در هر دو مورد همه سرنشینان کشته شدند. بدین ترتیب از هنگام اعلام آتش پس یکجانبه از سوی رهبری افغانستان، سه هواپیمای مسافربری توسط جنایتکاران حرفه‌ای هدف قرار گرفته‌اند. اشرا افغانی، جنایات جدید خود را با موشک



* در حالیکه یک مامور پلیس رژیم پینوشه باتوم خود را برای مضراب کردن یکی از نشان شرکت کننده در تظاهرات ضد دیکتاتوری بالا برده است، چند تن می‌کوشند جلوی او را بگیرند. بدنحال کشته شدن ۱۲ نفر توسط رژیم پینوشه (که خبر آن را هفته پیش درج کردیم) موجی از اعتراض، سراسر شیلی را فرا گرفته است.

کره جنوبی

بقیه از صفحه ۱۳

پشتیبانی از چون دوهوان، می‌کوشد میان رژیم او و نیروهای سازشکار اپوزیسیون بورژوازی، سازشی ترتیب دهد. به دستور آمریکا، رژیم چون دوهوان در سال ۱۹۸۶ اجازه مباحثات پارلمانی درباره سرنوشت قانون اساسی کره جنوبی را صادر کرد. هدف از این اقدام، کشاندن "حزب دمکراتیک نوین کره"، حزب عمده اپوزیسیون پارلمانی، به سازش بود. این حزب که از سوی دو شخصیت عمده اپوزیسیون بورژوازی، کیم دای چونگ و کیم یونگ سام، حمایت می‌شود، در انتخابات پارلمانی

۱۹۸۵، ۳۰ درصد آرا را به دست آورد.

در جریان مباحثات پارلمانی، "حزب دمکراتیک نوین" دچار انشعاب شد. یک جناح از این حزب به رهبری لی مین وو صدر حزب تمایل بیشتری به سازش با رژیم نشان داد. در نتیجه، جناحی که خواهان تسریع در تغییر قانون اساسی بود، از حزب انشعاب کرد. کیم یونگ سام با حمایت کیم دای چونگ "حزب احیای وحدت و دمکراسی" را تأسیس نمود. ۶۷ نماینده از ۹۰ نماینده "حزب دمکراتیک نوین" به حزب جدید پیوستند.

ژنرال چون دوهوان با این گمان که می‌تواند از انشعاب در حزب

اپوزیسیون به سود خود بهره گیرد، در سیزدهم آوریل ۱۹۸۷ پایان مباحثات مربوط به اصلاح قانون اساسی را اعلام، و ادامه آن را به پس از بازپای امپیک تابستانی ۱۹۸۸ موکول کرد.

این اقدام، از آن جهت حائز اهمیت است که امکان گزینش جانشین چون دوهوان را طبق قانون اساسی فعلی و از سوی یک مجمع محدود تحت کنترل، فراهم می‌سازد.

اما آنچه چون دوهوان پیش‌بینی نکرده بود، گسترش جنبش توده‌ای در اعتراض به طرح تحمیل یک رئیس جمهور فرمایشی بود. پس از کنگره "حزب عدالت" چون دوهوان، و

گزینش روتاژ وو رهبر این حزب به ست نامزد جانشینی رئیس جمهور کره جنوبی، نخست دانشجویان و سپس اقشار گسترده‌تری از مردم، خیابانهای سئول، پوسان و سایر شهرهای بزرگ کره جنوبی را به صحنه تظاهرات دامنه‌دار و پیکر علیه رژیم تبدیل کرده‌اند. به گفته کیم یونگ سام، یکی از رهبران اپوزیسیون، موج اعتراض در کره جنوبی تا به جایی رسیده است که حتی اعلام مجدد حکومت نظامی (که در آغاز "دمکراتیزاسیون" به سبک آمریکایی، ملغی اعلام شد) نخواهد توانست از گسترش آن جلوگیری کند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

یافته و در عرصه اجتماعی افزایش عمده‌ای در سرمایه‌گذاریها پیش‌بینی شده است. رهبر شوروی همچنین به ادامه گسترش دموکراسی، افزایش سطح اشتغال در همه عرصه‌ها، بهبود انگیزه‌های مادی و ارتقای حیثیت معنوی کار در جامعه پرداخت. کارپاچف گفت هدف از اصلاحات بنیادی در عرصه مدیریت اقتصادی، گذار از شیوه‌های اداری به شیوه‌های عمدتاً اقتصادی در مدیریت همه عرصه‌های اقتصاد است. وی افزود باید ساختارهای نوین تشکیلاتی، در خدمت دخالت دادن مستقیم دانش در تولید باشد. رهبر ح. ک. ا. ش. اعلام کرد دگرگونی مدیریت اقتصادی، با تصویب قانونی درباره موسسات دولتی آغاز خواهد شد و در پی آن، یک سلسله تصمیمات در مسائل جزئی‌تر اتخاذ خواهد گردید.

به گفته میخائیل کارپاچف، ترکیبی از آزادی بیشتر برای تک‌تک موسسات با بهبود مدیریت مرکزی اقتصاد شوروی، ضروری است. بقیه در صفحه ۱۱

در روزهای پنجشنبه و جمعه هفته (۲۵ و ۲۶ ژوئن)، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش.)، در مسکو برگزار شد. موضوع پلنوم، وظایف حزب در دگرگونی بنیادی مدیریت اقتصادی بود. شرکت‌کنندگان در پلنوم، از پیش در جریان تئزهای میخائیل کارپاچف دبیرکل کمیته مرکزی و فیو جمع‌بندی نامه‌های زحمتکشان شوروی درباره مسائل دگرگونی مدیریت اقتصاد، قرار گرفته بودند.

میخائیل کارپاچف در سخنان خود در نخستین روز پلنوم به بررسی تحولات در اتحاد شوروی طی دو سال گذشته پرداخت و گفت روند نوسازی در جامعه، تعمیق و گسترش یافته، در همه عرصه‌های زندگی، فعالیت انسانها افزایش یافته و برخورد آنها به کار، متکامل‌تر شده است.

دبیرکل ح. ک. ا. ش. در سخنان خود خاطرنشان کرد شاخص‌های اقتصادی در اتحاد شوروی، اندکی بهبود یافته‌اند. از جمله آهنگ رشد بازده کار و تولید صنعتی افزایش

نگاهی به مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه سرمایه‌داران ترک، صیادان طلا

است بلکه پیش از صد برابر شده است. تنها واردات جمهوری اسلامی از ترکیه در سال ۶۲ و سالهای پس از آن - به استثنای سال ۶۵ - نزدیک به صد برابر واردات رژیم شاه در سال ۱۳۵۲ از ترکیه می‌باشد. در جریان گسترش یکپارچه حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکیه، نه تنها سرمایه‌داران ترکیه به سودهای کلان دست یافتند، بلکه دولت ترکیه نیز قادر شد تا بسیاری از مشکلات اقتصادی - و ارزی - خود را حل کند. پناهر گزارش‌های نشریات "فاینشال تایمز" ۲۸ آوریل ۱۹۸۲ و "میدل ایست اکونومیکال دایجست" نوامبر ۱۹۸۴، دولت ترکیه از قبل این مناسبات موفق به تخفیف بحران اقتصادی خود شده است. روزنامه دولتی اطلاعات در تاریخ ۶۴/۲/۲۲ اعلام کرد که کسری موازنه بازرگانی خارجی ترکیه از ۵۷۶ میلیون دلار در ماه دسامبر ۸۴ به ۱۵۴ میلیون دلار در ژانویه ۸۵ - یعنی ظرف مدت زمان کمتر از ۲ ماه - کاهش یافته است. بدین‌گونه است که ژنرالهای حاکم و سرمایه‌داران ترکیه خشنودی و خرسندی خارج از اشتغال خود را از گسترش مناسبات بازرگانی با جمهوری اسلامی صریحاً و رسماً اعلام کرده‌اند. چراید ترکیه نیز وضایت و خرسندی سرمایه‌داران ترکیه را از این "مید طلایی" وسیع‌الزبان می‌دهند. درباره سال ۸۴ روزنامه "جمهوریت" ترکیه همزمان با سفر هیأت چندصدنفره این کشور به سرپرستی تورکوت اوزال به تهران، کاریکاتوری را به چاپ رساند

بقیه در صفحه ۱۴

در پی سفر بهزاد شهری وزیر صنایع ستکین جمهوری اسلامی در اوایل خردادماه به ترکیه، در آخرین هفته خردادماه میرحسین موسوی نخست‌وزیر همراه یک هیأت سیاسی - اقتصادی به ترکیه سفر کرد تا "دستاوردهای" مذاکرات شهری را تحکیم بخشیده و به مناسبات بازرگانی طرفین "سروسامان" بدهد. بدنبال مذاکرات موسوی با "اوزال" نخست‌وزیر ترکیه و "اورن" رئیس جمهور این کشور پروتکل اقتصادی جدید جمهوری اسلامی و ترکیه که در جریان سفر بهزاد شهری تهیه و تدوین شده بود، تصویب شد.

پروتکل اقتصادی جدید ۲ میلیارد دلاری جمهوری اسلامی و ترکیه فیض پسان دیگر قراردادهای بازرگانی رژیم با این کشور دارای یک ویژگی است و آن اینکه مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی با ترکیه در اساس، مبادله‌ای شاپراهر و به سود ترکیه است. سود ترکیه در این معاملات به‌حدی است که به سرمایه‌داران ترک قادر شد خرسندی و خوشنودی خود را از آن بابت پوشیده دارند و نه سران جمهوری اسلامی توان آفر داشت که از اعتراف به این مبادلات شاپراهر تن‌نهند. به مختصات این پروتکل و سابقه مناسبات بازرگانی طرفین نظری بیاوریم،

فتوحات "امپراطوری عثمانی"

حجم مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه نسبت به میزبان سال ۱۳۵۲ چند برابر نشده

اعتصاب غذای پناهندگان ایرانی در یونان

عده‌ای از پناهندگان ایرانی در یونان، از دوم ماه ژوئن بمدت یک‌هفته در اعتراض به بی‌توجهی سازمان ملل و مسئولین امور پناهندگی به مسائل و مشکلات متعدد پناهندگان و عدم رسیدگی به وضعیت پلانتکلیف آنان اقدام به تحصن اعتراضی نمودند.

بقیه در صفحه ۲

پناهندگان ایرانی طی اطلاعیه‌ای خطاب به شهروندان یونانی، سازمان ملل و سایر مراجع ذی‌ربط، اعلام نمودند که در صورت عدم توجه به حقوق پناهندگی‌شان از

عده‌ای از پناهندگان ایرانی در یونان، از دوم ماه ژوئن بمدت یک‌هفته در اعتراض به بی‌توجهی سازمان ملل و مسئولین امور پناهندگی به مسائل و مشکلات متعدد پناهندگان و عدم رسیدگی به وضعیت پلانتکلیف آنان اقدام به تحصن اعتراضی نمودند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوپن بین‌المللی پستی» و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	☐	شش ماهه	۱۴ مارک	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار» :	☐	یک ساله	۲۷	۳۰	۱۶ مارک

بهای اشتراك	☐	سه ماهه	۳۳ مارک	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت» :	☐	شش ماهه	۶۴	۷۰	۳۶ مارک
	☐	یک ساله	۱۲۵	۱۳۸	

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 163
MONDAY, JUN 29, 87

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید